

## مطالعه تطبیقی مفهوم و ماهیت حق انتساب اثر ادبی و هنری در نظام‌های حقوقی

سید حسن شبیری (زنجانی)\*

تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۴

### چکیده:

«حق انتساب اثر به پدیدآورنده آن» یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حقوق اخلاقی یا معنوی پدیدآورندگان آثار فکری است که در اغلب زیر شاخه‌های حقوق مالکیت فکری مطرح بوده و مورد حمایت قوانین بین‌المللی، نظیر کنوانسیون برن و قانون‌گذاران بسیاری از کشورها، قرار گرفته است. با وجود این، نسبت به ابعاد مفهومی و ماهیتی و قلمرو آن، بین نظام‌های مختلف حقوقی ابهامات و اختلافات زیادی به چشم می‌خورد. پژوهش حاضر بعد از بررسی موضوعات مربوط به چگونگی نام‌گذاری این حق در قوانین کشورها و تاریخچه آن، با تفکیک ابعاد سلبی (همچون حق ممانعت، حق گسستگی و حق انکار) و اثباتی (نظیر حق افشای نام واقعی، مستعار و بی نام) این حق، جنبه‌های مختلف هر کدام از آن‌ها را به تفصیل مورد بررسی تطبیقی قرار داده است. به علاوه مصادیق حق مزبور و استثنائات آن در قوانین کشورها و نیز قوانین حقوق مالکیت فکری ایران در این تحقیق به دقت مورد موشکافی واقع شده است.

### کلید واژگان:

حق انتساب، حقوق اخلاقی، مالکیت ادبی و هنری، حق انکار، نام مستعار، اثر بی‌نام، شهرت پدیدآورنده، حق گسستگی

---

\*استادیار دانشکده حقوق، گروه حقوق مالکیت فکری، دانشگاه قم.

## ۱. مقدمه

«حق انتساب اثر» یکی از مهم‌ترین ابعاد حقوق اخلاقی (حقوق معنوی) پدیدآورندگان آثار فکری است که در اغلب زیر شاخه‌های حقوق مالکیت فکری قابل طرح بوده و مورد حمایت قانون‌گذاران بسیاری از کشورها قرار گرفته است. گرچه ظهور نظام نوین حقوق مالکیت ادبی و هنری در قرن ۱۷ در جهان ابتدا با شناسایی حقوق مالی و اقتصادی پدیدآورنده آغاز شد، اما دیری نپایید که کشورهای رومی ژرمنی- موسوم به کشورهای دارای نظام حق مؤلف- که نظام مالکیت فکری‌شان بر مبنای حقوق شخصیت استوار شده است، به تدریج شروع به شناسایی ابعاد مختلف حقوق اخلاقی (معنوی) به معنای نوین آن، همچون حق حرمت اثر و حق انتساب اثر، نمودند.<sup>۱</sup> در این میان، فرانسه به عنوان یکی از پیشگامان این حرکت، در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ حق انتساب اثر به پدیدآورنده را به عنوان یکی از ابعاد حقوق اخلاقی وی در رویه قضایی آن کشور به رسمیت شناخت و به دنبال آن، دیگر کشورهای دارای نظام حق مؤلف، نظیر آلمان، حق مزبور را در قوانین خود منعکس نمودند.<sup>۲</sup> گرچه کشورهای انگلوساکسون- مشهور به کشورهای دارای نظام کپی‌رایت- از همان ابتدا نسبت به پذیرش حقوق اخلاقی در نظام حقوق مالکیت فکریشان مقاومت نشان دادند، اما سرانجام این انگلستان بود که بعد از الحاق به کنوانسیون برن و بر مبنای الزامات این کنوانسیون به عنوان نخستین کشور دارای نظام کپی‌رایت در نیمه دوم قرن بیستم، جنبه‌هایی از این حق از جمله حق انتساب اثر را در قانون کپی‌رایت خود<sup>۳</sup> به رسمیت شناخت.<sup>۴</sup> با وجود این، برخی دیگر از کشورهای دارای نظام کپی‌رایت، از قبیل ایالات متحده آمریکا، هنوز نسبت به این امر مقاومت نشان می‌دهند.<sup>۵</sup>

1. Lyman Ray Patterson, Copyright in Historical Perspective, Vanderbilt University Press, 1968, p. 218.

2. Thomas F. Cotter, Pragmatism, Economics, and the Droit Moral, North Carolina Law Review, 1997, (<http://cyber.law.harvard.edu/metaschool/fisher/integrity/Links/Articles/cotter.html>).

۳. «قانون کپی‌رایت، طراحی‌ها و اختراعات» مصوب ۱۹۸۸ (Copyright, Designs and Patents Act 1988).

4. He Zhonglin, Author's Moral Rights in UK and China, Law Department, School of African and Oriental Studies, University of London, 2002, 3.1.1. (<http://www.chinaiplaw.com>[Last Visited:2017/6/8]).

۵. گرچه همان‌طوری که در ادامه خواهد آمد، اخیراً این کشور نیز با تصویب قانونی در حمایت از آثار هنری زیبا، به صورت محدود از حقوق اخلاقی پدیدآورندگان این قبیل آثار حمایت به عمل آورده است. شایان ذکر است مفاد قانون مزبور در ←

با وجود اینکه تاکنون بیشتر کشورهای جهان -هرچند به اجمال- حق انتساب اثر فکری برای پدیدآورنده را به رسمیت شناخته‌اند، اما نسبت به مفهوم، اقسام و ماهیت این حق میان کشورها اختلافات قابل توجهی به چشم می‌خورد؛ هرچند قوانین برخی از کشورها همچون امریکا و انگلیس جنبه‌های سلبی جدیدی را برای این حق قائل شده‌اند، قوانین کشورهای دیگر قلمرو آن را از این جهت توسعه نداده‌اند و در عوض این مفهوم را از برخی جنبه‌های اثباتی‌اش توسعه داده‌اند. به علاوه آیا دامنه این حق شامل افرادی غیر از پدیدآورندگان آثار فکری نظیر اجراکنندگان آثار ادبی و هنری نیز می‌شود یا تنها محدود به پدیدآورندگان این آثار است؟ هدف از این نوشتار پاسخگویی به تمامی پرسش‌های یادشده و دیگر پرسش‌های مرتبط است. بر این اساس، در ادامه نخست مفهوم حق انتساب را موشکافی خواهیم کرد و پس از مروری کوتاه بر پیشینه این حق در نظام‌های مختلف حقوقی، به تحلیل مفهومی دو جنبه سلبی و اثباتی حق انتساب خواهیم پرداخت و در ضمن آن بعد از بیان انواع مختلف حق انتساب و تشریح ماهیت آن، به صورت تطبیقی موضع نظام‌های مختلف حقوقی را در این خصوص تبیین خواهیم نمود. در ادامه، قلمرو این حق نسبت به دیگر شاخه‌های حقوق مالکیت فکری را مورد بررسی قرار داده و در نهایت به دیدگاه نظام حقوقی ایران در این خصوص خواهیم پرداخت.

## ۲. مفهوم

### ۱.۲ نام‌گذاری

#### ۱.۱.۲ در نوشته‌های حقوقی

از این حق در نوشته‌های حقوقی با تعابیر گوناگونی یاد شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. paternity right (حق ابوت یا حق ولایت بر اثر)

۲. right of attribution (حق انتساب)

۳. right to credit (حق انتساب)

۴. right of name (حق نام)

→ اصلاحیه ۲۰۰۹ قانون کپی رایت ایالات متحده (۱۹۷۶) وارد شده است (ماده ۱06A با عنوان «حق انتساب و حرمت اثر») نسبت به برخی پدیدآورندگان خاص».

۱. **حق ابوت یا حق ولایت بر اثر:** این حق بیشتر در نوشته‌های حقوق‌دانان فرانسه با عنوان «le droit à la paternité» رایج است.<sup>۲</sup>
۲. **حق انتساب:** اصطلاح حق انتساب بیشتر در نوشته‌های حقوق‌دانان آمریکایی به چشم می‌خورد که در غالب نوشته‌ها از ترکیب (right of attribution)<sup>۳</sup> و در پاره‌ای از آن‌ها، عبارت (right to credit)<sup>۴</sup> به کار برده شده است.<sup>۵</sup>
۳. **حق نام:** این عنوان و مشابه آن علاوه بر متون حقوقی در قانون برخی کشورها همچون روسیه، با عنوان حق بر نام (right to name)، با اندک تفاوتی، آمده است<sup>۶</sup> و چنانچه خواهد آمد در مقابل «حق شناخته شدن به عنوان پدیدآورنده» است و مراد از آن حق قرار گرفتن نام شخص بر روی اثر (به صورت واقعی، مستعار و یا بی‌نام) است.

## ۲-۱-۲ در قوانین

تتبع در قوانین کشورهای مختلف می‌توان نشان می‌دهد که در آن قوانین، تعبیرهای متنوعی برای بیان این مفهوم آمده است که در یک دسته‌بندی آن را به ۸ دسته زیر می‌توان تقسیم نمود:

۱. در توجیه این نامگذاری گفته شده است که رابطه پدیدآورنده با اثر مانند رابطه پدر با فرزند است و همان گونه که پدر نام خود را بر روی فرزند خود می‌گذارد و بدینسان نسبت خود را با او به عموم اعلام می‌نماید، پدیدآورنده هم این حق را دارد که نام خود را بر روی اثر فکری خویش قرار دهد و بدینسان نسبت پدیدآورندگی‌اش با اثر را به عموم اعلام و ابراز نماید (علیرضا نوروزی، حقوق مالکیت فکری، نشر چاپار، تهران ۱۳۸۱، ق ۴۵).
2. Susan P. Liemer, How We Lost Our Moral Rights and the Door Closed on Non-Economic Values in Copyright, Southern Illinois University Carbondale, 2005, p. 8.
3. see The Attribution Right in the United States: Caught in the Crossfire Between Copyright and Section 43(A) Washington Law Review, October, 2002.
4. Greg Lastowka, Digital Attribution: Copyright and the Right to Credit, 87 B.U. L. REV. 41, 70 (2007).; See Ralph R. Shaw, Copyright and the Right to Credit, 113 SCIENCE 571, 752 (1951).
۵. شایان ذکر است اصطلاح یادشده علاوه بر مباحث کی‌رایت در مباحث مربوط به علائم تجاری - در بحث انتساب نادرست علامت و تدلیس در فروش کالا با علامت جعلی - نیز مورد استفاده قرار گرفته شده است.
- Jane C. Ginsburg, The Right to Claim Authorship in U.S. Copyright and Trademarks Law, 41 HOUS. L. REV. 263, 264 (2004).
6. article 15(1).

## ۱- (right of claim authorship of work)

که به معنای «حق ادعا (یا مطالبه) پدیدآوردگی اثر» است و تعبیری مشهور است از متن کنوانسیون برن گرفته شده است.<sup>۱</sup>

## ۲- (right of authorship)

یا «حق پدیدآوردگی» که چنانچه بزودی می‌آید در برخی از قوانین (مانند چین) این تعبیر به عنوان تعبیری جامع، مقسم ابعاد دوگانه حق انتساب قلمداد شده است، به این صورت که بُعد نخست آن همان حق پیشین مذکور در کنوانسیون برن و بُعد دوم «حق قرار گرفتن نام بر روی اثر» است که در ادامه به آن اشاره می‌شود.<sup>۲</sup>

## ۳- (recognition of authorship of the work)

یا «حق شناسایی پدیدآوردگی اثر». این عنوان در قوانین کشورهای نظیر آلمان، روسیه، اسلوانیا، رومانی و اسپانیا<sup>۳</sup> با تفاوت‌های اندکی ذکر شده است.<sup>۴</sup>

## ۴- (right to name)

یا «حق نام گذاشتن». یکی دیگر از انواع حق انتساب است و چنانچه شرح تفصیلی آن خواهد آمد مربوط به قرار گرفتن نام پدیدآورنده بر روی اثر است. عبارت یادشده در قانون روسیه آمده است.<sup>۵</sup>

## ۵- (respect for author's name)

یا «حق احترام به نام پدیدآورنده». این عنوان که در ماده ۱ - ۱۲۱ قانون فرانسه آورده شده است مترادف عنوان پیشین (حق نام) است که البته قوانین کشورهای دیگر (مانند رومانی<sup>۱</sup>، روسیه،

۱. به همین خاطر بیشتر قوانین کشورها این عبارت را به کار برده‌اند، از جمله قانون برزیل (۲۴.م)، چک (۱۷.م)، مصر (۱۴۳.م) و ایتالیا (۲۰.م).

۲. عنوان فوق علاوه بر قانون چین، در قانون تونس نیز آمده است.

art. 10(China), art. 9(Tunisia)

۳. طبق متن قوانین یاد شده، این تعبیر برای بیان یکی از دو قسم حق انتساب به کار برده شده است و مراد از آن همان مفهوم مذکور در کنوانسیون برن (یعنی حق مطالبه پدیدآوردگی اثر) است.

4. demand recognition of his Authorship of the work (Art. 8 اسپانیا , Art. 10 رومانی); right to recognition of authorship (ماده ۱۸ اسلوانیا); the right to use or authorize uses of such work under the true name of the author, his pseudonym.

or without the indication of his name, i.e. anonymously (the right to name) (ماده ۱۵ روسیه); recognition of the work (ماده ۱۳ آلمان)

5. art. 15(Russian).

نروژ و بلغارستان) بر خلاف این عنوان اختصاری مذکور در قانون فرانسه، از آن به تفصیل یاد کرده‌اند.<sup>۲</sup>

ع- (right to indicate the Author's name)<sup>۳</sup>

این عنوان و یا مشابه آن در قوانین کشورهای متعددی مانند ژاپن، کره جنوبی، جمهوری چک، یونان، گینه، مجارستان، ایسلند، روسیه، ساموا، اسلوانی، اسپانیا و برزیل<sup>۴</sup> آمده است.<sup>۵</sup>

و- (to sign the work with the author's name)<sup>۶</sup>

یا «علامت‌گذاری و امضای اثر با نام پدیدآورنده»<sup>۷</sup>.

ا- (right of attribution)<sup>۸</sup>

یا «حق انتساب اثر». این عنوان در قوانین ایالات متحده آمریکا<sup>۹</sup> و استرالیا<sup>۱۰</sup> آورده شده است و مراد از آن حق انتساب پدیدآورندگی اثر به خالق آن (به اشکال گوناگون) می‌باشد.

## ۲-۲ نگاهی به پیشینه و جایگاه حق انتساب در نظام‌های مهم حقوقی

تاریخچه حق انتساب اثر در کشورهای غربی به دوران یونان باستان و امپراتوری رم باز می‌گردد. در آن عصر، با اینکه حقوق اقتصادی پدیدآورنده بر اثر فکری هنوز به رسمیت شناخته نشده بود، اما حقوق اخلاقی پدیدآورنده به معنای سنتی‌اش به اجمال مورد شناسایی واقع شده بود.<sup>۱۱</sup> در یونان آن زمان، دسته‌های مختلفی از پدیدآورندگان آثار فکری همچون نمایشنامه‌نویسان، شاعران و فلاسفه از حق انتساب اثر نسبت به آثارشان برخوردار بودند. البته سازندگان آثار موسیقایی از این حمایت بی‌بهره بودند، زیرا در آن عصر عقیده بر این بود که پدیدآورنده اثر

۱. به عنوان نمونه ماده ۱۰ قانون رومانی در بیان مفهوم فوق‌الذکر چنین آورده است: «حق تصمیم‌گیری نسبت به این که اثر تحت چه نامی (واقعی، مستعار، بی‌نام) عرضه عمومی شود».

2. art. 121-1 (France).

۳. به نظر می‌رسد مراد از این عنوان تفصیلی، همان عنوان اختصاری پیشین (یعنی حق احترام به نام پدیدآورنده) باشد.

۴. در این مورد در ادامه خواهیم دید که پاره‌ای از کشورها علاوه بر نام، امضاء را نیز اضافه نموده‌اند مثل اسپانیا و برزیل. art. 14 (Spain), art. 24 (Brasil).

5. art. 19 (Japan), art. 12 (Republic of Korea), art. 17 (Slovakia), art. 4 (Greece), art. 7 (Guinea), art. 12 (Hungary), art. 4 (Iceland), art. 15 (Russian), art. 7 (Samoa), art. 18 (Slovenia).

۶. برخی از قوانین عنوان پیشین را با تعبیر فوق به کار برده‌اند، از جمله ماده ۱۶ قانون لهستان و ماده ۱۷ اسلواکی.

۷. در قانون حمایت از هنرهای زیبا ادغام شده در ماده 106A قانون کپی رایت ۱۹۷۶ آمریکا.

8. art. 106a (USA), art. 193 (Australia).

9. Michael W. Carroll, Whose Ownership Is It Anyway?: How We Came to View Musical Expression as a Form of Property, 72 U. CIN. L. REV. pp 1405-1433 (2004).

موسیقی در اصل ناشی از نیروی طبیعت و کیهان است و نه خلاقیت و تلاش شخصی پدیدآورنده آن. حقوق روم هم کوتاهی کردن در معرفی پدیدآورنده به عنوان خالق اثر<sup>۱</sup> را یک نوع سرقت ادبی به حساب می‌آورد.<sup>۲</sup> در دوران قرون وسطی، کلیسای کاتولیک کنترل شدیدی را بر روی انواع آثار ادبی و هنری به ویژه آثار موسیقایی اعمال نمود.<sup>۳</sup> با وجود این، به موازات گسترش شهرها در قرون وسطی، انجمن‌هایی در حوزه‌های مختلف ادبی و هنری<sup>۴</sup> به وجود آمد تا منافع پدیدآورنده و خلاقان آثار فکری را مورد حمایت قرار دهد که در نتیجه تلاش‌های آنها، تنها برخی از حقوق مادی پدیدآورندگان آثار خلاق مورد شناسایی واقع شد. در دوره رنسانس هنرمندان درصدد کسب حمایت‌های حقوقی بیشتر از آثار هنریشان به ویژه حقوق اخلاقی‌شان برآمدند.<sup>۵</sup>

حقوق اخلاقی پدیدآورنده به مفهوم نوین آن در اواخر قرن ۱۸ و به دنبال انقلاب کبیر فرانسه در آن کشور مطرح شد.<sup>۶</sup> از لحاظ تاریخی، به طور کلی کشورهای دارای نظام حق مؤلف در مقایسه با کشورهای دارای نظام کپی‌رایت حمایت قوی‌تری از حقوق اخلاقی به عمل آورده‌اند. بر این منوال، حق انتساب اثر به عنوان یکی از نخستین ابعاد شناسایی شده حقوق اخلاقی پدیدآورنده اثر ادبی یا هنری، نخستین بار در اوایل قرن ۱۹ در فرانسه و آلمان پا به عرصه وجود گذاشت.<sup>۷</sup> در نظام حقوقی فرانسه دوازده سال پس از شناسایی حق افشای اثر<sup>۸</sup>، حق پدیدآورندگی اثر<sup>۹</sup> برای

۱. و به عبارتی قصور دیگران در رعایت حق انتساب.

2. Cheryl Swack, Safeguarding Artistic Creation and the Cultural Heritage: A Comparison of Droit Moral Between France and the United States, 22 COLUM.-VLA J.L. & ARTS pp. 361-366 (1998).

3. loc. Cit. pp.1436-1438.

۴. موسوم به گیلد.

۵. به عنوان نمونه، میکل‌آنژ، هنرمند و شاعر مشهور ایتالیا در قرن ۱۵، توانست حق انتساب اثر به خودش را با حکاک نامش به شکل مخفی بر روی مجسمه‌ای که به خریدار فروخته بود و وی به غلط به عنوان خالق آن اثر معرفی شده بود، به اثبات برساند. بعدها وی تلاش نمود تا نسبت به اثر هنری دیگرش (نقاشی بر روی دیوار کلیسا)، حق اخلاقی افشای آن اثر را نیز برای خود به اثبات رساند.

Natalie C. Suhl, Note, Moral Rights Protection in the United States Under the Berne Convention: A Fictional Work?, 12 ORDHAM INTELL. PROP. MEDIA & ENT. L.J. 1203, 1206 (2002).

6. Patrick G. Zabatta, Moral Rights And Musical Works: Are Composers Getting Berned?, 43 SYRACUSE L. REV. 1095 (1992)

7. Melville B. Nimmer & David Nimmer, Nimmer on Copyright § 8D.01[A] (2007).

۸. به عنوان یکی از ابعاد حقوق اخلاقی پدیدآورنده.

9. droit de la paternité.

نخستین بار در سال ۱۸۳۶ در پرونده حقوقی ماسن<sup>۱</sup> مطرح<sup>۲</sup> و قاضی دادگاه استیناف فرانسه آن را به رسمیت شناخت<sup>۳</sup>.

از لحاظ تاریخی نیز در حقوق انگلستان، گرچه در دو قرن پیش در پرونده میلار علیه تیلور (Millar v. Taylor)<sup>۴</sup>، کامن لا این فرصت طلایی را پیدا کرد تا حمایت از حقوق اخلاقی را برای پدیدآورندگان آثار فکری به طور مستقیم به رسمیت بشناسد، اما متأسفانه این امر حاصل نشد تا اینکه در قانون مالکیت فکری ۱۹۸۸<sup>۵</sup> این تحول به وجود آمد و چند بُعد از ابعاد حقوق اخلاقی، از جمله حق انتساب، به رسمیت شناخته شد<sup>۶</sup>. شایان ذکر است قبل از تصریح به حقوق اخلاقی در قانون انگلستان، نظام حقوقی انگلستان حمایت از این حقوق را از طریق نظام حقوق قراردادی و یا از راه جبران خسارت‌های کامن لا برای این چنین شبه جرم‌هایی (مسئولیت مدنی) در نظر گرفته بود، از قبیل افشای موضوعات محرمانه، افترا<sup>۷</sup> یا دروغ<sup>۸</sup>.

از منظر قوانین بین‌المللی و حقوق موضوعه کشورها، حق مزبور برای نخستین بار در سال ۱۹۲۸ در اصلاحیه کنوانسیون بین‌المللی حقوق مؤلف-کنوانسیون برن مصوب ۱۸۸۶- در ماده ۶ مکرر

1. Masson de Puitneuf v. Musard.

2. Widow Vergne v. Creditors of Mr. Vergne, Cour d'appel [CA] [regional court of appeal] Paris, le ch., Jan. 11, 1828, S. Jur. II 1828, 5. See also W. W. Kowalski, International Legal Dimensions of Art and Cultural Property: A Comparative Law Analysis of the Retained Rights of Artists, 38 VAND. J. TRANSNAT'L L. 1141, 1148 (2005).

۳. طرفین دعوا پدیدآورنده اثر موسیقایی و مدیر کنسرت بودند. مدیر کنسرت (خواننده) حقوق مادی سازنده آن اثر موسیقایی را از وی (خواهان) خریده بود، اما بر روی اعلامیه تبلیغاتی کنسرت به جای نام پدیدآورنده اثر، نام خود را درج نموده بود. سرانجام قاضی دادگاه این چنین حکم نمود که اثر موسیقایی موضوع دعوا لازم است به طور روشن و آشکار به خالق آن (خواهان پرونده) نسبت داده شود.

W. W. Kowalski, International Legal Dimensions of Art and Cultural Property: A Comparative Law Analysis of the Retained Rights of Artists, 38 VAND. J. TRANSNAT'L L. 1141, 1148 (2005).

4. Millar v. Taylor (1769) 98 Eng. Rep. 201, 252 (K.B.).

5. Copyright, Patent, Design Act 1988.

۶. این تحول به دنبال گزارش کمیته ویت‌فورد (Whithford) در سال ۱۹۷۷ رخ داد که ادعان می‌داشت قانون انگلستان با وجود الحاق به کنوانسیون برن، الزامات آن کنوانسیون را برآورده نساخته است و لذا باید حقوق اخلاقی در قانون داخلی انگلستان پیش‌بینی شود.

7. defamation.

8. J. Carlos Fernández-Molina and Eduardo Peis, The Moral Rights of Authors in the Age of Digital Information, Departamento de Biblioteconomía y Documentación, Universidad de Granada, Colegio Máximo de Cartuja, 2001, p.111.



آن آورده شد<sup>۱</sup> و پس از آن بود که اغلب قوانین داخلی کشورها به ویژه کشورهای رومی-ژرمنی دارای نظام حق مؤلف این حق را به تدریج به رسمیت شناختند.<sup>۲</sup> با وجود این، حق مزبور در قوانین کشورهای کامن لا، که دارای نظام کپی رایت هستند با استقبال کمتری همراه شده به طوری که کشورهایی نظیر انگلستان، تحت تأثیر الزام کنوانسیون برن، تنها در دهه‌های اخیر مجبور به شناسایی حق مزبور شدند و حال آن که ایالات متحده امریکا حتی علی‌رغم الحاق به برن هنوز به طور گسترده این حق را به رسمیت نشناخته است؛ هر چند اخیراً به صورت محدود این حق را نسبت به برخی آثار هنری<sup>۳</sup> به رسمیت شناخته است.<sup>۴</sup> با وجود این، به نظر برخی از حقوق دانان امریکایی حق انتساب از نقطه نظر اخلاقی و معنوی، امری مسلم و غیر قابل انکار است. به همین خاطر بسیاری از اندیشمندان حقوقی معتقدند<sup>۵</sup> در ایالات متحده امریکا هم، حقوق اخلاقی به طور عام و حق انتساب اثر به طور خاص، از طرق دیگر توسط نظام حقوقی آن کشور به رسمیت شناخته است، نظیر: افتراء<sup>۶</sup>، فریب و گمراه کردن دیگران<sup>۷</sup>، نقض محرمانگی<sup>۸</sup>، حقوق علائم تجاری<sup>۹</sup>.

۱. طبق اظهارات شارچین کنوانسیون برن این حق یکی از مهم‌ترین حقوق اخلاق پدیدآورنده به حساب می‌آید و به همین خاطر در قوانین بیشتر کشورها حق مزبور به اشکال گوناگونی بیان شده و برای آن اقسام متنوعی ذکر گردیده است.  
 ۲. به عنوان نمونه، قانون مالکیت فکری فرانسه در اصلاحیه ۱۹۵۷ این قانون در ماده ۱ - ۱۲۱ این حق را برای اولین بار به رسمیت شناخت.

3. Art. 106A.

4. Jennifer Constantinou, A Brief Overview of The Visual Artists Rights Act of 1990 (VARA), Seton Hall School of Law, 2007 (<http://www.njvla.org/docs/A%20Brief%20Overview%20of%20VARA%20Large%20Print.pdf>[Last Visited:2017/6/2]).

5. Henry L. Self III, Moral Rights and Musicians in the United States, 2003-2004 Entertainment, Publishing and the Arts Handbook 165 (2003), p. 8. (<http://www.lavelysinger.com/MoralRights.pdf>[Last Visited:2017/6/6])

6. Libel.

7. passing off.

8. invasion of privacy.

9. trademark law.

۱۰. بدیهی است از آنجایی که پرداختن به جنبه‌های بیشتری از پیشینه تاریخی حق انتساب اثر به دلیل محدودیت حجم، از حوصله این مقال خارج است، از این رو در ارتباط با تاریخچه این بحث، تنها به همین مقدار بسنده می‌شود و تفصیل بیشتر آن را به جای دیگری واگذار می‌نماییم.

## ۳.۲ تعریف قانونی و تحلیل مفهومی

### ۱.۳.۲ تعریف قانونی

قانون مالکیت فکری فرانسه<sup>۱</sup> حقوق معنوی پدیدآورنده را این گونه برشمرده است: «پدیدآورنده از حق حرمت نسبت به نامش، پدیدآورندگی اش و اثرش برخوردار است»<sup>۲</sup>. قانون کپی‌رایت آلمان، در باره حق انتساب این چنین مقرر نموده است: «پدیدآورنده از حق شناخته شدن پدیدآورندگی اثرش برخوردار است. اختیار تصمیم‌گیری نسبت به درج نامش بر روی اثر یا اینکه چه نامی بر روی اثرش درج شود با اوست»<sup>۳</sup>. قانون کپی‌رایت روسیه در این باره آورده است: «پدیدآورنده از حقوق شخصی و غیر مالکیتی زیر نسبت به اثرش برخوردار است: ۱- حق به رسمیت شناخته شدن به عنوان پدیدآورنده اثر؛ ۲- حق استفاده یا اعطای اجازه استفاده از این چنین اثری تحت نام واقعی پدیدآورنده، نام مستعار یا بدون ذکر نامش (حق بر نام)»<sup>۴</sup>. در بند نخست ماده ۱۹ قانون کپی‌رایت ژاپن این چنین آمده است: «پدیدآورنده از این حق برخوردار است که نام واقعی یا مستعارش بر روی نسخه اصلی اثر درج شود یا اینکه هنگامی که اثرش در جامعه عرضه و پخش می‌شود یا در اختیار عموم قرار می‌گیرد نامش به عنوان پدیدآورنده ذکر شود. ... در مواردی که معلوم است هیچ گونه خطر ورود خسارت متوجه منافع پدیدآورنده نسبت به حق پدیدآورندگی اش، با عنایت به هدف و شیوه بهره‌برداری از اثرش، نیست جایز است نام پدیدآورنده حذف شود مشروط بر اینکه این چنین حذفی با رفتار منصفانه سازگار باشد»<sup>۵</sup>. در ماده ۴۰ قانون کپی‌رایت چین در زمره حقوق اخلاقی پدیدآورنده، حق پدیدآورندگی به صورت زیر توصیف شده است: «حق پدیدآورندگی عبارت است از حق ادعای پدیدآورندگی و حق ذکر نام شخص بر روی اثر»<sup>۶</sup>. قانون ایتالیا در ماده ۲۰ و مصر در ماده ۱۴۳ مطابق با کنوانسیون برن، حق مورد بحث را تحت عنوان ادعای پدیدآورندگی تعریف کرده است. ماده ۶ مقرر کنوانسیون برن هم به اختصار این حق را تحت عنوان حق ادعای پدیدآورندگی اثر تعریف کرده است. قانون حقوق مالکیت ادبی و هنری تونس نیز در زمره حقوق اخلاقی، حق پدیدآورندگی اثر را در ماده ۹ به صورت زیر تعریف

۱. در نخستین ماده از مواد مربوط به حقوق اخلاقی.

2. 121-1 Article.

3. Article 13.

4. Article 15.

کرده است: «الف- حق پدیدآورندگی: این حق دلالت بر این دارد که پدیدآورنده حق ادعای پدیدآورندگی نسبت به اثرش را دارد و حق دارد که نامش بر روی هر نسخه اثر قرار گیرد. ب- حق عدم پدیدآورندگی: این حق عبارت است از این که هنگامی که اثرش در اختیار عموم قرار گرفت [نام مؤلف] بی‌نام و مجهول باقی بماند. ج - حق نام مستعار فرضی: پدیدآورنده از این حق برخوردار است که نام مستعاری را به جای نام خودش فرض کند». ماده ۷۷ قانون انگلستان حق مزبور را این‌گونه تبیین نموده است: «پدیدآورنده اثر ادبی، نمایشی، موسیقایی و هنری و کارگردان فیلم<sup>۱</sup> این حق را دارند که با عنایت به شرایط مندرج در این ماده، به عنوان پدیدآورنده یا کارگردان اثر معرفی شوند». همان طوری که گذشت قانون کپی‌رایت آمریکا گرچه حقوق اخلاقی را به عنوان قاعده‌ای کلی برای همه آثار ادبی و هنری قائل نشده است، اما به صورت محدود این حق را برای آثار هنری زیبا به رسمیت شناخته است.<sup>۲</sup>

### ۲.۳.۲ تحلیل مفهومی

با توجه به مباحث پیشین، مجموع جنبه‌های مختلف حق انتساب پدیدآورنده اثر فکری، صرف‌نظر از اینکه مورد پذیرش کدام یک از نظام‌هایی حقوقی باشد، شامل موارد زیر است:

۱. حق شناخته شدن وی به عنوان پدیدآورنده اثر؛
۲. حق ممانعت دیگران از انتساب دادن اثرش به غیر او؛<sup>۳</sup>
۳. حق قرار دادن نام واقعی یا مستعار خود بر روی اثر یا مجهول ماندن نامش؛<sup>۴</sup>

۱. مالک حق مادی [اثر سینمایی].

۲. شایان گفتن است گرچه حقوق اخلاقی (معنوی) و به تبع آن حق انتساب در کشورهای دارای نظام حق مؤلف اساساً متعلق به پدیدآورنده است و از آن منفک نمی‌شود، اما برخی از کشورهای دارای نظام کپی‌رایت، از قبیل حقوق انگلستان بین پدیدآورنده و دارنده حقوق معنوی تفاوت قائل شده‌اند؛ مثلاً در مورد اثر صوتی یا فیلم، پدیدآورنده کسی است که ترتیب‌های لازم برای خلق اثر را فراهم نموده است (ماده ۹). بنابراین تهیه‌کننده پدیدآورنده است در حالی که حقوق اخلاقی از جمله حق انتساب متعلق به کارگردان است.

Pascal Kamina, *Film Copyright in the European Union*, Cambridge University Press, Jun 20, 2002, p. 98.

۳. بر این اساس، حق پدیدآورندگی در قانون آمریکا با عنوان حق انتساب اثر در بند نخست ماده (A) ۱۰۶ به صورت زیر تعریف و تنظیم شده است: «الف - حق ادعای پدیدآورندگی ب - حق جلوگیری از استفاده از نام او به عنوان پدیدآورنده هر اثری که خود خالق آن نبوده است. ج - حق جلوگیری از استفاده از نامش به عنوان پدیدآورنده اثر در موارد تحریف یا ناقص کردن یا هر گونه تغییری که به حیثیت یا شهرت پدیدآورنده لطمه وارد سازد.»

4. right against attribution to others.

۴. حق افشای نام او به عنوان خالق اثر<sup>۲</sup>؛
۵. حق ممانعت کردن دیگران از افشای نام وی به عنوان پدیدآورنده اثر؛
۶. حق انتشار اثر به صورت بی‌نام بدون اینکه نام پدیدآورنده بر روی اثر درج شده باشد؛
۷. حق ممانعت دیگران از قرار دادن جعلی نام واقعی یا مستعارشان بر روی اثر<sup>۳</sup>.
۸. همان طوری که گذشت غیر از جلوه‌های یادشده، برخی از کشورها مانند آمریکا<sup>۴</sup> جنبه‌های دیگر زیر را به عنوان جلوه‌هایی دیگر از حق انتساب اثر در قوانین خود آورده‌اند:
۹. حق اعتراض و ممانعت شخص از قرار گرفتن نامش بر روی اثری که خود آن را خلق نکرده است<sup>۵</sup>؛
۱۰. حق جلوگیری از قرار گرفتن نام شخص بر روی اثرش در صورتی که آن اثر دست‌خوش تحریف و تغییراتی چند توسط اشخاص دیگر بدون رضایت او شده است.
۱۱. چنان چه ملاحظه می‌شود در یک نگاه دقیق، ابعاد نه‌گانه فوق در یک تقسیم‌بندی به دو بعد اثباتی و سلبی تقسیم می‌شوند. مراد از جنبه اثباتی حق جلوه‌هایی از حق است که به موجب آن دارنده حق می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم اعمالی را انجام دهد، در مقابل، جنبه سلبی حق شامل مواردی می‌شود که شخص پدیدآورنده حق ممانعت، مخالفت و یا اعتراض نسبت به انجام اعمالی توسط اشخاص دیگر را داشته باشد.<sup>۶</sup>

#### ۱.۲.۳.۲ تحلیل جنبه اثباتی حق انتساب

از موارد نه‌گانه یادشده می‌توان جنبه‌های زیر را به عنوان جلوه‌های مثبت حق انتساب اثر به شمار آورد:

۱. حق به رسمیت شناخته شدن شخص به عنوان پدیدآورنده اثر؛

1. right of identification.
2. right of disclosure.
3. right of assertion.
4. Article 106(a). of Copyright Code 1976.
5. right to prevent false attribution.

۶. به عنوان نمونه این حق که پدیدآورنده بتواند نام خود را بر روی اثر قرار دهد جنبه اثباتی حق و این امر که پدیدآورنده حق داشته باشد اشخاص دیگر را از انتساب اثر به خودشان باز دارد، جنبه سلبی حق اخلاقی پدیدآورنده به حساب می‌آید.

۲. حق قرار دادن نام واقعی یا مستعار شخص بر روی اثر به عنوان پدیدآورنده آن؛

۳. حق افشای نام شخص به عنوان پدیدآورنده اثر.

گرچه جلوه نخست حق به حسب ظاهر عام است و می‌تواند از لحاظ لفظی شامل جلوه دوم نیز گردد، اما با توجه به اینکه این جنبه در برخی قوانین همچون قانون روسیه، در عرض جنبه دوم حق قرار گرفته است به نظر می‌رسد مفهوم مزبور مضیق باشد و تنها شامل موردی شود که پدیدآورنده در نظر داشته باشد از طریقی غیر از قرار دادن نام خود بر روی اثر به عنوان پدیدآورنده اثر شناخته شود. در مثل، چنانچه اشخاص دیگری بخواهند از متن کتابی مطلبی را نقل نمایند، لازم است نام پدیدآورنده اثر را به همراه نام کتاب نیز ذکر نمایند و به اصطلاح ذکر مأخذ کنند.

جلوه دوم یادشده یکی از بارزترین جنبه‌های حق انتساب اثر است که در قوانین موضوعه بیشتر کشورها با تعابیر متفاوتی از آن یاد می‌شود و در پاره‌ای از قوانین قیوداتی به آن افزوده شده است. به عنوان نمونه قانون انگلستان، استرالیا و گینه این شرط را اضافه کرده‌اند که «نام پدیدآورنده باید به صورت کاملاً آشکار بر روی اثر باشد به گونه‌ای که هر استفاده‌کننده‌ای از اثر بتواند از هویت پدیدآورنده اثر آگاه شود». در دادگاه‌های فرانسه، در یک پرونده حقوقی با استناد به این حق، نام پدیدآورنده یک اثر عکاسی که به عمد از روی آن حذف شده بود، از مصادیق نقض حق به حساب آمد.<sup>۱</sup> این جنبه از حق عموماً در جایی که حق مادی اثر مورد استفاده قرار می‌گیرد، قابل اعمال است، مثلاً پدیدآورنده حق دارد نامش بر روی جلد کتاب منتشرشده‌اش درج شود. همچنین حق انتشار اثر با نام مستعار از جمله حقوق اخلاقی پدیدآورنده است که عدم رعایت آن می‌تواند نقض حق وی تلقی شود. به عنوان نمونه در پرونده حقوقی الیست<sup>۲</sup> طرح‌شده در دادگاه فرانسه، پدیدآورنده (خواهان) اثرش را به صورت مستعار منتشر ساخته بود، اما ناشر (خواننده) آن را به نام واقعی او منتشر کرده بود. در این پرونده، حق پدیدآورنده مبنی بر اختیار تصمیم‌گیری او نسبت به استفاده مستعار از نامش به عنوان جلوه‌ای از اعمال حق انتساب اثرش توسط ناشر نادیده گرفته شده بود، از این رو دادگاه به استناد نقض حق محرمانگی نام او که سبب شده بود

1. See CA Paris, 4e ch., June 10, 1993, 158 RIDA 1993, 242 (Fr.).

2. Ellis v. Hurst, 128 N.Y.S. 144 (Sup. Ct. 1910).

نامش برای اهداف تجاری و تبلیغاتی ناشر بدون رضایت او به کار رود، ناشر را محکوم به پرداخت خسارت نمود.

جلوه سوم از جنبه‌های اثباتی حق جایی است که پدیدآورنده‌ای که قبلاً هویتش را مخفی کرده، تصمیم بگیرد با اعلان نام و مشخصاتش، هویت خود را افشا سازد.

اما در خصوص جنبه اثباتی حق، ابهام‌هایی چند دیده می‌شود: نخست درباره موضوع آن که آیا تنها شامل اثر اصلی می‌شود یا نسخه‌های آن را نیز در برمی‌گیرد؟ دوم قید «بر روی اثر» چگونه نسبت به مواردی از اعمال حق همچون اجرای عمومی اثر که فاقد جسم مادی است قابل انطباق است؟ سوم آیا این حق مطلق است و حتی شامل فرض استفاده غیر عمومی اثر هم می‌شود یا تنها موارد استفاده یا انتشار عمومی اثر را در برمی‌گیرد؟ چهارم اینکه آیا نحوه قرار گرفتن نام بر روی اثر لازم است به شکل خاصی باشد یا این که لازم نیست کیفیت ویژه‌ای رعایت شود؟ پنجم اینکه آیا قلمرو آن شامل اثر اصلی است یا اینکه اثر اقتباسی را هم در بر می‌گیرد؟ ششم اینکه آیا ذکر نام بر روی اثر در همه موارد لازم است یا مقید به صورتی است که این امر شدنی یا متعارف باشد؟ هفتم اینکه آیا موضوع حق مزبور تنها محصور به نام است یا دیگر علائم ممیزه را نیز شامل می‌شود؟ و ابهام آخر اینکه آیا رعایت تشریفات و شرایط شکلی در این خصوص لازم است یا خیر؟

پاسخ سؤالات یادشده از رهگذر تحلیل قوانین کشورهای مختلف، به شرح زیر می‌توان به دست آورد:

**پاسخ به پرسش نخست.** در پاسخ به سؤال نخست<sup>۱</sup>، قوانین کشورها و به تبع رویه آنها متفاوت است<sup>۲</sup> و نمی‌توان پاسخ واحد و مشترکی را برای پرسش نخست ارائه نمود. با وجود این،

۱. یعنی اینکه آیا موضوع تنها اصل اثر است یا نسخه‌های اثر را نیز شامل می‌شود.

۲. در یک جمع‌بندی می‌توان تمامی تعابیر به کار رفته در قوانین را به صورت زیر خلاصه نمود: ۱- بر روی اثر به صورت مبهم و کلی (ماده ۱۳ آلمان، ماده ۱۲ مجارستان، ماده ۲۰ ایتالیا)؛ ۲- بر روی نسخه اصلی اثر (ماده ۱۲ کره جنوبی)؛ ۳- بر روی اصل یا نسخه‌های تکثیر شده اثر (ماده ۳ فنلاند، ماده ۴ یونان، ماده ۴ ایسلند، ماده ۳ نروژ، ماده ۱۷ اسلواکی و ماده ۹ تونس) البته برخی کشورها قید هنگام استفاده عمومی اثر را نیز اضافه نموده‌اند (ماده ۷ گینه، ماده ۱۲ کره جنوبی)؛ ۴- هنگام استفاده اثر (ماده ۲۴ برزیل، ماده ۱۵ روسیه)؛ ۵- هنگام عرضه عمومی اثر (ماده ۱۰ رومانی)؛ ۶- هنگامی که اثر در دسترس عموم قرار می‌گیرد (ماده ۱۹ ژاپن، ماده ۳ نروژ)؛ ۷- هنگام عرضه عمومی اثر به صورت بی‌نام (ماده ۱ تونس)؛ ۸- بر روی نسخه‌های تکثیر شده اثر هنگام استفاده عمومی از آنها (ماده ۷ گینه).

طبق برخی از شروح قانون مالکیت فکری فرانسه، حق انتساب اثر مذکور در ماده ۱۲۱-۱ آن قانون تفسیر موسع شده است تا بدین وسیله آوردن نام پدیدآورنده، علاوه بر اصل اثر، الزاماً بر روی همه نسخه‌های آن نیز ذکر شود.<sup>۱</sup>

**پاسخ به پرسش دوم.** در پاسخ به این پرسش<sup>۲</sup> کشورهای مختلف به طور کلی رویه‌های متفاوتی را در پیش گرفته‌اند؛ برخی از همان عبارت کلی و مبهم برن- یعنی ادعای پدیدآورندگی اثر - یا عباراتی مشابه آن (ژاپن) استفاده نموده‌اند؛ برخی دیگر بدون ذکر انواع استفاده‌ها به طور خاص تنها به دو حالت ظاهر شدن و اعلام شدن اکتفا نموده‌اند (برزیل)؛ اما بسیاری از کشورهای کامن لا دارای نظام کپی‌رایت هستند (مانند قانون انگلستان<sup>۳</sup> و استرالیا<sup>۴</sup>) با ذکر یکایک موارد استفاده به طور خاص، نحوه ذکر نام بر روی اثر را به طور جداگانه مشخص نموده‌اند.<sup>۵</sup>

**پاسخ به پرسش سوم.** در پاسخ به سؤال مزبور<sup>۶</sup>، باز هم رویه کشورها متفاوت است؛ برخی از آن‌ها «قید هنگام استفاده عمومی اثر» را نیاورده‌اند، در مقابل، پاره‌ای دیگر حق انتساب اثر را تنها محدود به هنگام استفاده یا انتشار عمومی اثر کرده‌اند. به عنوان نمونه طبق قانون انگلستان<sup>۷</sup>، در مورد آثار هنری، هنرمند حق شناخته شدن و معرفی شدن به عنوان پدیدآورنده هنگام عرضه و نمایش عمومی اثر یا انتشار و پخش تجاری یا پخش رادیو-تلویزیونی اثر را دارد. بنابراین، نقض حق مزبور مطابق این قانون، این است که پدیدآورنده در جایی که انتساب اثر لازم است به طور صحیح به عنوان پدیدآورنده اثر معرفی نشود. به نظر می‌رسد دلیل محدود شدن آن به «استفاده عمومی اثر» به مبنا و فلسفه وجودی حق انتساب اثر پدیدآورنده باز گردد.

۱. برخی از قوانین، از جمله ماده ۱۴ قانون کپی‌رایت اسپانیا، قرار گرفتن نام پدیدآورنده بر روی اثر را با «حق افشای عمومی اثر» که یکی دیگر از ابعاد حقوق اخلاقی است، با هم درآمیخته‌اند و بدینسان یکی از حقوق اخلاقی را حق افشای اثر تحت نام واقعی، مستعار یا بی‌نام و یا علامت پدیدآورنده شمرده‌اند. همچنین برخی از قوانین علاوه بر ذکر نام پدیدآورنده، علامت یا امضای نام را نیز اضافه کرده‌اند (اسلواکی، اسپانیا، ترکیه).

۲. یعنی چگونگی اعمال این حق در فرض اجرای عمومی اثر.

3. Sec. 77 of CDPA 1988.

4. Art. 193 of Copyright Act 1968 (Amended 2008).

۵. به هر حال، نحوه اعمال حق انتساب، ک وابسته به نوع اثر و اوضاع و احوال مربوط است؛ در اغلب موارد، نحوه اعمال حق به این صورت است که هویت پدیدآورنده باید به سمع و نظر شخصی که اجرای اثر را می‌بیند یا می‌شنود، اثر را مشاهده می‌کند یا آن را از تلویزیون می‌بیند برسد.

۶. یعنی مختص بودن یا نبودن حق به موارد استفاده عمومی.

7. sec. 77 of CDPA 1988.

توضیح مطلب اینکه طبق برخی از نوشته‌ها، حق انتساب اثر به عنوان یکی از مظاهر حقوق اخلاقی پدیدآورنده به این دلیل مورد حمایت قانون گذار واقع شده است که جنبه‌ای از شخصیت پدیدآورنده در اثرش ظاهر و ابراز می‌گردد و پس از خلق اثر است که رابطه و اتصال جدانشدنی میان پدیدآورنده و اثرش به وجود می‌آید و از آنجایی که در صورت عدم رعایت حق انتساب، تنها در فرض استفاده عمومی اثر ممکن است به شهرت و شخصیت او خدشه وارد آید، از این رو شرط «عمومی بودن استفاده» در قوانین لازم شمرده شده است.

**پاسخ به پرسش چهارم.** هرچند درباره این پرسش که کیفیت قرار گرفتن نام پدیدآورنده بر روی اثر باید چگونه باشد، دسته‌ای از قوانین سکوت اختیار کرده‌اند، اما دسته‌ای دیگر قیوداتی را برای آن در نظر گرفته‌اند. قانون بلغارستان «ذکر نام به شیوه‌ای مناسب»، قانون دانمارک، فنلاند، سوئد و نروژ «به شیوه‌ای که لازمه استفاده صحیح از اثر است» (ماده ۳)، قانون چک «نحوه تعیین شیوه را بر عهده پدیدآورنده قرار داده» و قانون مجارستان، اسلواکی (ماده ۲۷) «به شیوه‌ای متناسب با ماهیت استفاده» را شرط کرده‌اند.<sup>۱</sup>

**پاسخ به پرسش پنجم.** درباره این سؤال که قلمرو حق آیا تنها شامل اثر اصلی می‌شود یا اثر اشتقاقی را نیز در بر می‌گیرد، بسیاری از قوانین دامنه آن را وسیع در نظر گرفته و حق انتساب را به اثر اشتقاقی نیز توسعه داده‌اند. بر این اساس، در اثر ترجمه‌ای نیز باید نام نویسنده اثر اصلی نیز قید شود. برخی از قوانین حتی در جایی که بخشی از اثر در اثر دیگر درج می‌شود یا اینکه از اثر نقل می‌شود، ذکر پدیدآورنده و مأخذ آن را ضروری می‌دانند.<sup>۲</sup>

**پاسخ به پرسش ششم.** در خصوص این پرسش که آیا حق انتساب اثر باید تحت هر شرایطی رعایت و اجرا شود یا مشروط به این است که انتساب اثر به پدیدآورنده امکان‌پذیر باشد؟ پاره‌ای از کشورها نظیر کانادا<sup>۳</sup> امکان‌پذیر بودن آن قید را شرط دانسته‌اند. قانون ژاپن حتی پا را از این فراتر نهاده و حذف نام پدیدآورنده اثر را در مواردی که حذف آن با توجه به هدف و شیوه بهره‌برداری از اثر لطمه به حق پدیدآورندگی او نمی‌زند و این امر با رفتار منصفانه نیز سازگار

۱. برخی از نویسندگان معتقدند مثلاً در مورد اثر معماری، معمار ساختمانی مرتفع می‌تواند نامش را به عنوان خالق اثر، در بالای آن ساختمان مرتفع به شیوه‌ای مناسب قرار دهد.

Paul Goldstein, Copyright (Supp. 2005).

۲. مانند بند ۱ ماده ۱۲ مجارستان.

3. art. 14 Copyright Act 1985 (Amended 2008).



باشد، مجاز دانسته است (ماده ۱۹). شایان ذکر است که قانون کپی‌رایت آمریکا، خودداری از اعلام نام پدیدآورنده اثر را بر خلاف جنبه مثبت آن (یعنی ادعای پدیدآورندگی) مطلق نگذاشته و در صورتی مجاز دانسته است که امری مشروع و متعارف باشد.<sup>۱</sup>

**پاسخ به پرسش هفتم.** در پاسخ به این سؤال که آیا علاوه بر نام، دیگر عناوین ممیزه پدیدآورنده هم از حرمت برخوردار است، پاره‌ای از قوانین مطالبی را به صراحت آورده‌اند. به موجب قانون فرانسه، سنگال، الجزایر و گینه، عناوین، درجات و سایر ممیزات پدیدآورنده به مانند نام او دارای حرمت و احترام هستند و باید از سوی دیگران رعایت شوند.<sup>۲</sup>

**پاسخ به پرسش آخر.** اما در پاسخ به لزوم رعایت شرایط شکلی، پاره‌ای از قوانین وجود برخی تشریفات شکلی را لازم دانسته‌اند. به عنوان نمونه به موجب قانون انگلستان<sup>۳</sup>، پدیدآورنده چنانچه در نظر داشته باشد به این حق استناد نماید نخست باید از طریق سند مکتوب امضا شده توسط خود، انتساب‌اش را تثبیت نماید. مثلاً در مورد اثر هنری، تنها کافی است وی امور یادشده را بر روی اثر اصلی یا بر روی نسخه‌های آن حک و تثبیت نماید.<sup>۴</sup> البته به نظر می‌رسد وجود این شرط شکلی با ماده ۶ کنوانسیون برن، که هیچ شرط شکلی را برای حقوق اخلاقی قائل نشده است، در تعارض باشد.

### ۲.۲.۳.۲ تحلیل جنبه سلبی حق انتساب

با عنایت به فهرست پیشگفته در باب جنبه‌های چندگانه حق انتساب، می‌توان موارد زیر را به عنوان ابعاد سلبی حق انتساب پدیدآورنده اثر به حساب آورد و مورد تحلیل قرار داد:

**۱- حق ممانعت دیگران از انتساب کل یا بخشی از اثر<sup>۵</sup> به غیر از خود او.** این حق به منظور ممانعت دیگران از غصب حق ابوت است و به عبارت دیگر جهت جلوگیری از اینکه

۱. ماده ۱۰۶A.

۲. کلود کلمبه، اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی، نشر میزان، ۱۳۸۵، ص ۸۶.

۳. قانون کپی‌رایت، طراحی‌ها و اختراعات مصوب ۱۹۸۸ (CDPA).

4. sec. 78(1) of CDPA 1988.

۵. پرواضح است این جنبه از حق انتساب نه تنها شامل کل اثر می‌شود بلکه چنانچه تنها بخشی از اثر به نام شخص دیگری منتسب شود پدیدآورنده این حق را دارد که نسبت به آن اعتراض نماید. در مثل، نویسنده کتاب بعد از نقل مستقیم بخشی از اثر نویسنده‌ای دیگر، شخص دیگری را به غلط به عنوان نویسنده آن معرفی نماید. بدیهی است حق ممانعت دیگران از قرار دادن نامشان بر روی اثر اعم از این است که آن‌ها نام واقعی یا نام مستعاری را به اثر انتساب دهند.

دیگران به دروغ و یا به اشتباه به عنوان پدیدآورنده معرفی شوند. بدیهی است حق مزبور دو حالت زیر را شامل می‌شود:

اول اینکه شخص ثالث اثر را به خودش انتساب دهد، دوم اینکه شخص ثالث اثر را به شخصی غیر از پدیدآورنده و خودش نسبت دهد، به عنوان نمونه چنانچه ناشری اثر را به نام خود منتشر سازد، پدیدآورنده حق دارد نسبت به این امر اعتراض نماید. حال انتشار اثر به نام شخص ثالث یا به صورت مستقیم و آشکار است یا غیرمستقیم و ضمنی. فرض اول ممکن است بیشتر در مورد آثار ناشی از استخدام یا آثار سفارشی مصداق پیدا کند. مثلاً در بسیاری از مؤسسات پژوهشی، چه بسا کارفرما به بهانه اینکه حقوق مادی پدیدآورندگان اثر را که یا از کارمندان او هستند یا با او قرارداد سفارش تهیه اثر پژوهشی دارند پرداخته‌اند، اقدام به درج نام خود (مثلاً با عنوان مؤسسه پژوهشی الف) بر روی اثر به عنوان پدیدآورنده نمایند که این امر می‌تواند نقض جنبه یادشده از حق انتساب پدیدآورنده به حساب آید. اما فرض دوم که به صورت غیرمستقیم و ضمنی است در مواردی اتفاق می‌افتد که اثر به نام شخص ثالث منتشر نمی‌شود، اما نام و یا علامت شخص ثالث به گونه‌ای بر روی اثر درج می‌شود که این احساس برای عموم خوانندگان به وجود می‌آید که آن ناشر خاص، پدیدآورنده اثر می‌باشد.<sup>۱</sup>

**۲- حق عدم ادعای پدیدآورندگی.** در توضیح جنبه دوم منفی حق انتساب<sup>۲</sup> باید گفت از آنجایی که حق اختیاری است برای دارنده حق و اختیار از نوع قدرت است که به موجب آن شخص هم نسبت به انجام فعل و هم نسبت به عدم آن ذی‌حق و دارای اختیار است، بنابراین با توجه به این که پدیدآورنده به موجب نص قوانین بسیاری از کشورها، حق ادعای پدیدآورندگی را

۱. نمونه عملی آن مربوط به پرونده حقوقی ای است که در دادگاه‌های فرانسه در سال ۱۹۶۱ مطرح شد. در این پرونده، مسئولین نمایشگاه کارت‌های تجاری خود را کنار جلد کتاب‌های هنری به گونه‌ای قرار داده بودند که در نزد عموم مردم این برداشت غلط به وجود آمده بود که صاحبان کارت طراحان روی جلد هستند. دادگاه به استناد نقض جنبه‌های پیشگفته از حق انتساب آن‌ها را محکوم نمود.

- Cass. 1e civ., Jan. 31, 1961, Gaz. Pal. [1961], I, pan. jurispr. 406 (Fr.).

۲. یعنی حق عدم ادعای پدیدآورندگی.

دارد، حق منفی عدم ادعای پدیدآورندگی را نیز دارد و می‌تواند نام واقعی خود را به اثر منتسب نسازد.<sup>۱</sup>

گرچه انتشار اثر با نام مستعار یا بی نام در کنوانسیون برن نیامده است، اما چنانچه گذشت این جنبه از حق به طور جداگانه و مستقل از حق ادعای پدیدآورندگی، در قوانین داخلی بسیاری از کشورها انعکاس یافته است. درباره این جنبه از حق ممکن است این پرسش به ذهن خطور کند در جایی که پدیدآورنده تمایل ندارد به عنوان خالق اثر معرفی شود آیا اشخاص ثالث هم این وظیفه و تکلیف را دارند که با عدم افشای خالق اثر، حق مزبور را رعایت نمایند؟ برخی از نویسندگان معتقدند که حق انتساب ضرورتاً این حق را به پدیدآورنده مجهول یا دارای نام مستعار نمی‌دهد که اشخاص ثالث را از افشای نام منع نموده و باز دارد.<sup>۲</sup> با وجود این، قانون کپی‌رایت کانادا حق ناشناس ماندن را جنبه دیگری از حق انتساب می‌داند که به موجب آن وی حق دارد که دیگران را از ایجاد پیوند و ارتباط نام مؤلف با اثر او باز دارد.<sup>۳</sup>

**۳. حق گسستگی<sup>۴</sup>.** این جنبه در قوانین برخی از کشورها نظیر ایالات متحده آمریکا<sup>۵</sup> و انگلستان<sup>۶</sup> مورد تصریح واقع شده است. این حق بیشتر در مواردی است که به منظور سوء استفاده از شهرت اشخاص مشهور، نام اشخاص دیگر بر روی اثری که خود آن را خلق نکرده‌اند قرار داده شده و به غلط به آن‌ها انتساب داده می‌شود. بر اساس این حق، پدیدآورنده این حق را خواهد داشت که نام خود را از روی اثری که آن را خلق نکرده و منسوب به او نیست حذف

۱. پر واضح است عدم انتساب نام واقعی به اثر خود می‌تواند دو حالت داشته باشد. نخست اینکه شخص نام مستعار خود را بر روی اثر قرار دهد، دوم اینکه وی اثرش را بدون نام منتشر سازد.

۲. پرواضح است این تفاوت میان حق معرفی شدن اثر به عنوان اثری مستعار و حق مجهول بودن اثر به عنوان اثر بی‌نام در قوانین برخی از کشورها. نظیر کانادا. وجود دارد که حق نخست محدود به این است که اعمال آن در اوضاع و احوال مربوط متعارف و منصفانه باشد، در حالی که حق دوم مشمول هیچ نوع از محدودیت‌های فوق نیست.

۳. لازم به ذکر است برخی از نویسندگان با تفسیر موسع کنوانسیون برن، مفهوم حق ادعای پدیدآورندگی را گسترده می‌دانند و آن را شامل مواردی می‌دانند که پدیدآورنده بتواند دیگران را مجبور کند که اثر را به او انتساب دهند. بدیهی است این تفسیر موسع از کنوانسیون برن، پا را فراتر نهاده و تکلیف مثبتی را به دوش اشخاص ثالث قرار می‌دهد، اگرچه این مفهوم را نمی‌توان با تفسیر مضیق ادبی و لفظی از کنوانسیون برن استنباط نمود.

see also Canadian Intellectual Property Office, A Guide to Copyrights (Apr. 2005), available at: [http://strategis.ic.gc.ca/sc\\_mrksv/cipo/cp/copy\\_gd\\_protect-e.html](http://strategis.ic.gc.ca/sc_mrksv/cipo/cp/copy_gd_protect-e.html) [Last Visited:2017/6/7]

4. right of dissociation.

5. Art. 106 (a)(1)(B).

6. section 84 of CDPA 1988.

نماید<sup>۱</sup> که این شامل دو مورد می‌شود یکی اینکه وی حق داشته باشد نامش را از روی نسخه‌های تحریف شده اثر حذف کند و دوم اینکه وی از استفاده تبلیغاتی نادرست از نامش جلوگیری به عمل آورد.<sup>۲</sup>

اما در توضیح بیشتر مفهوم حق گسستگی باید گفت این حق بر دو نوع است: اول اینکه شخص ثالث پدیدآورنده را کسی معرفی کند که در واقع، خالق اثر نیست؛ دوم اینکه شخص ثالث سکوت اختیار کند اما سکوت او از نظر عرفی دلالت بر این امر داشته باشد که پدیدآورنده شخص ثالثی است که اثر را خلق نکرده است که در این حالت ممکن است شخص ثالث ملزم به تذکر عمومی این نکته باشد که وی خالق اثر نیست.<sup>۳</sup>

با وجود این، در دکتترین فرانسه، آلمان و ایتالیا، حق گسستگی به عنوان یکی از جلوه‌های حقوق اخلاقی پدیدآورنده مورد انتقاد جدی قرار گرفته است، زیرا اصولاً این امر ارتباطی با فرض پدیدآورندگی شخص ندارد؛ به عبارت دیگر، موضوع حق اشخاص «غیر پدیدآورنده» هستند که اثر فکری به غلط به آن‌ها نسبت داده شده است.<sup>۴</sup> گرچه دادگاه‌های فرانسه در پاره‌ای موارد این قبیل موارد را به عنوان موارد نقض حقوق معنوی به حساب آورده‌اند.<sup>۵</sup>

۱. برخی از دادگاه‌های امریکا هم این حق را با «حق عدم انتساب» (right of non-attribution) یکی دانسته‌اند. اما به نظر می‌رسد این دو مفهوم با یکدیگر متفاوت باشند چرا که مفهوم حق عدم انتساب موردی را در بر می‌گیرد که شخص ثالث نسبت به پدیدآورندگی شخص سکوت اختیار نموده باشد. به عنوان نمونه، ناشر در جایی که ذکر نام مؤلف بر روی اثر لازم است نسبت به قرار دادن نام او سکوت اختیار کرده باشد نه اینکه نامی غیر از نام پدیدآورنده را بر روی اثر درج کرده باشد. از این رو بهتر این است که همان اصطلاح «حق گسستگی» به کار برده شود تا مراد از آن «حق عدم ارتباط دادن غیر مؤلف به اثر» باشد.

Rebecca Tushnet, Naming Rights: Attribution and Law, Georgetown University Law Center, November 2007.

۲. در برخی از نوشته‌های حقوقی این حق به «حق انتساب معکوس» (reverse attribution) نام نهاده شده است. Egress Art Law Resource Center, loc. Cit.

۳. بدیهی است این حق با حق آزادی بیان شخص ثالث در تنافی است و آن را محدود می‌کند، چرا که طبق حق آزادی بیان، تمامی اشخاص در انتخاب مضامین سخنانشان آزاد هستند و هیچ کس نمی‌تواند آن‌ها را مجبور به بیان امری نماید، با وجود اینکه طبق قسم دوم یادشده از اقسام حق گسستگی، اشخاص ثالث به این بیان ملزم خواهند بود که اعلام نمایند آن‌ها خالق اثر نیستند. به همین خاطر در برخی از پرونده‌های حقوقی مشاهده می‌شود که دادگاه‌ها از صدور حکم استرداد و جبران خسارت، کراهت شدید دارند. البته قانون مربوط به هنرهای زیبای آمریکا در این موارد هم امکان جبران خسارت را پیش‌بینی کرده است.

Morita v. Omni Publ'ns. Int'l Ltd., 741 F. Supp. 1107, 1114 (S.D.N.Y. 1990).

4. Cyrill P. Rigamonti, Deconstructing Moral Rights, Harvard International Law Journal, Volume 47, Number 2, Summer 2006, pp. 361-384.

5. See, e.g., Cour d'appel [CA] [regional court of appeal] Paris, 13e ch. corr., Mar. 23, 1992, 155 Revue internationale du droit d'auteur [RIDA] 1993, 181 (Fr.); Tribunal de grande instance [T.G.I.] Paris, 31e ch., May 9, 1995, 167 RIDA 1996, 282 (Fr.).

۴. **حق انکار.** آخرین بُعد از ابعاد حق انتساب، «حق انکار یا رد»<sup>۱</sup> است. این حق مربوط به حالتی می‌شود که شخص ثالث اثر را به پدیدآورنده‌اش نسبت می‌دهد اما اثر آن چنان توسط دیگران دست‌خوش تغییر شده است که انتساب اثر مزبور به وی، سبب مخدوش شدن شهرت او می‌شود.<sup>۲</sup> در این حالت، پدیدآورنده از این حق برخوردار است که انتساب اثر یادشده را به خود انکار نماید.<sup>۳</sup> این حق خاص که در قانون کپی‌رایت فدرال ایالات متحده آمریکا به رسمیت شناخته است در ایالت‌های آمریکا به شکل‌های مختلفی قید خورده است؛ بر این اساس، طبق قوانین ایالت پنسیلوانیای آمریکا، نفس تغییر در اثر به خودی خود دلیل بر مخدوش شدن شهرت پدیدآورنده است. برخی دیگر از ایالت‌ها، این حق را مشروط به این کرده‌اند که دلیل معتبر و منصفانه‌ای بر ورود ضرر و زیان به پدیدآورنده ناشی از این انتساب وجود داشته باشد که یکی از این دلایل می‌تواند لطمه به شهرت شخص باشد.<sup>۴</sup>

### ۳. قلمرو حق انتساب

#### ۱.۳ سرقت ادبی و تفکیک ایده از بیان

سرقت ادبی در جایی صادق است که شخص مفاهیم و ایده‌های موجود در اثر ادبی و هنری دیگری را اقتباس می‌نماید و آن را بدون ذکر منبع و مأخذ، در اثر خود درج نموده و یا به خود نسبت دهد بدون اینکه الفاظ و کلمات و عین آن اثر را به خود منسوب کرده باشد. به اعتقاد

#### 1. right of disavowal.

۲. قانون پرتوریکا پا را از این فراتر نهاده و هیچ‌گونه شرط و قیدی همچون لطمه به شهرت را لازم ندانسته است.

۳. با توجه به مطالب پیشگفته، می‌توان اهداف و فوائد جنبه منفی حق انتساب را در امور زیر خلاصه کرد:

۱- جلوگیری از فریب دادن دیگر اشخاص استفاده کننده از اثر.

۲- ممانعت از سوء استفاده دیگران از شهرت پدیدآورنده (سواری مجانی free riding) به ویژه پدیدآورندگان نامی.

۳- جلوگیری از سرمایه‌گذاری گزاف پدیدآورنده جهت ممانعت کردن دیگران از انتساب غلط اثرش.

www.ucm.es/info/econap4/english/erasmus/.../moralrights.pdf [Last Visited: 2017/6/1]

۴. شایان ذکر است پاره‌ای از نویسندگان حق انکار یا رد را یکی از مظاهر و نتایج حق گسستگی دانسته و آن را به عنوان حقی مستقل و در عرض حق گسستگی نمی‌دانند. همان طوری که در مباحث پیشین گذشت این دو جنبه از حق در بسیاری از قوانین کشورها به ویژه قوانین کشورهای دارای نظام حق مؤلف آورده نشده است چرا که به عقیده برخی از نویسندگان، این حق اصولاً نمی‌تواند به عنوان یکی از جنبه‌های حقوق اخلاقی پدیدآورنده به حساب آید.

John T. Cross, Reconciling the Moral Rights of Authors with the First Amendment Right of Free Speech, 2007, pp. 203-205.

برخی از نویسندگان عدم ذکر منبع یک مطلب در نزد بسیاری از مردم امری مرسوم و پذیرفتنی است زیرا طبق قاعده‌ای عمومی تقلید در مفاهیم چنانچه سبب پیشرفت جامعه شود قبحی ندارد و جایز است.<sup>۱</sup> از این رو این امر نقض حقوق پدیدآورنده به حساب نمی‌آید. به دیگر سخن، از نظر طرفداران حق انتساب، این حق فقط محدود به انتساب بیان است و انتساب ایده را در قلمرو نظریه خود نیاورده‌اند.

شایان ذکر است مردم اغلب نسبت به اصالت ایده‌هایشان زیاده‌روی و اغراق می‌کنند و می‌پندارند آن‌ها مستحق و شایسته انتسابند حتی در جایی که اغلب ایده‌های موجود در اثرشان از خود آن‌ها نباشد. به عنوان نمونه، در یک دعوای حقوقی، طرفین، هر کدام مدعی بودند که دیگری از کتابش سرقت کرده است حال آن که اصل ایده جدید نبود و قبلاً توسط دیگران مطرح شده بود.<sup>۲</sup> بنابراین حق انتساب ارتباطی با سرقت ادبی ندارد و نمی‌تواند این هنجار اجتماعی را مبنی بر این که سرقت ادبی مذموم است توجیه نماید.

### ۲.۳ توسعه حق انتساب به حقوق مرتبط<sup>۳</sup>

فراتر رفتن حق انتساب اثر از پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و گسترش آن به اجراکنندگان این قبیل آثار، برای نخستین بار در تاریخ کنوانسیون‌های بین‌المللی، در سال ۱۹۹۶ در معاهده «w.p.p.t»<sup>۴</sup> و تنها در همین کنوانسیون در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شد.<sup>۵</sup> در این معاهده، با وجود حمایت حقوقی از سه دسته از اشخاص، شامل اجراکنندگان، سازمان‌های پخش رادیو تلویزیونی و تکثیرکنندگان انبوه آثار صوتی، حقوق اخلاقی و در زمره آن‌ها حق انتساب اثر تنها مختص دسته اول - که همان اشخاص حقیقی باشند - دانسته شده است.<sup>۶</sup> لحن ماده مربوطه بسیار مشابه لحن به کار رفته در ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن در باره حقوق اخلاقی

1. Greg Lastowka, Digital Attribution: Copyright and the Right to Credit, 87 B.U. L. REV. 41, 70 (2007).

2. Steven A. Shaw, Not That There's Anything Wrong With That: Jessica Seinfeld's Cookbook Is Unoriginal, But It's Not Plagiarism, SLATE, Oct. 24, 2007, [http://www.slate.com/id/2176563/\[Last Visited:2017/6/12\]](http://www.slate.com/id/2176563/[Last Visited:2017/6/12]).

3. related right.

4. W.P.P.T. (WIPO Performances and Phonograms Treaty 1996).

5. Thomas Dreier, Concise European copyright law, Kluwer Law International, 2006, p.175.

۶ طبق بند اول از ماده پنجم این معاهده، مستقل از حقوق مادی پدیدآورنده، اجراکننده از چند حق اخلاقی از جمله این حق که به عنوان اجراکننده اجرائش شناخته شود (حق انتساب اجرا) برخوردار است.

پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری است. مطابق این ماده، قلمرو حق مزبور گسترده است و علاوه بر اجرای زنده، شامل اجرای ضبط شده نیز می‌شود. با وجود این، با توجه به اینکه معاهده تنها اجرای ضبط شده بر روی حامل صوتی را قید کرده است، از این رو شامل اجراهای ضبط شده بازیگران سینما نخواهد شد و از این حیث محدودیتی در معاهده دیده می‌شود. البته این حق در این کنوانسیون مطلق نیست<sup>۲</sup> و در مواردی که حذف نام اجراکننده، به اقتضای روش استفاده از اجرا لازم باشد، انتساب اثر لازم شمرده نشده است.<sup>۳</sup>

با وجود به رسمیت شناخته شدن این حق در معاهده یادشده، کشورهای اتحادیه اروپا و نیز ایالات متحده آمریکا هنوز موضع یکپارچه و واحدی را در این خصوص اتخاذ نکرده‌اند؛<sup>۴</sup> حال آن که برخی از کشورها نظیر فرانسه و آلمان قائل به حقوق اخلاقی اجراکنندگان هستند، کشورهایمانند انگلستان<sup>۵</sup> و آمریکا هنوز دامنه این حق را شامل اجراکنندگان نمی‌دانند.<sup>۶</sup> گرچه این امید

۱. گرچه در زمان تصویب این معاهده تلاش گسترده‌ای صورت گرفت تا این محدودیت برداشته شود، اما این تلاش‌ها بی نتیجه ماند و معاهده به همین صورت فعلی تصویب شد. متعاقب آن واپو با تدوین پیش‌نویسی در این خصوص، در دسامبر ۲۰۰۲ کنفرانس دیپلماتیکی را در موضوع حمایت از اجراهای آثار صوتی تصویری (همچون آثار سینمایی) تشکیل داد. اما علی‌رغم انجام مذاکرات فشرده و مفصل پیرامون این موضوع و موافقت کشورها با ۱۹ ماده از این پیش‌نویس - که حمایت از حقوق اخلاقی از جمله حق انتساب اجراکننده اثر تلویزیونی را نیز در برمی‌گرفت - به دلیل مخالفت آمریکا با مواد دیگر پیش‌نویس تلاش‌ها بی‌نتیجه ماند و باز هم معاهده‌ای در این خصوص به تصویب نرسید.

-Pascal Kamina, *Film copyright in the European Union*, Cambridge University Press, 2002, pp. 346-347.

۲. این معاهده مدت حمایت و شیوه‌های جبران خسارت ناشی از نقض این حق، را بر عهده کشورهای عضو قرار داده است که با توجه به اینکه دو موضوع فوق از حوزه این پژوهش خارج است، در این خصوص، تنها به همین مقدار بسنده می‌شود.  
3. article 5(1).

بنابراین، چنانچه به عنوان مثال اجرای اثر به صورت جمعی و در سطح عمومی در قالب برنامه تلویزیونی صورت گیرد، ممکن است با توجه به اوضاع و احوال مربوطه، شیوه اجرای جمعی توجیهی بر حذف نام اجراکنندگان و عدم انتساب اجرا به تک آنان باشد.

۴. مبنای پذیرش حق اخلاقی برای اجراکنندگان با توجه به اینکه مبنای حقوق اخلاقی اساساً به حقوق شخصیت اشخاص بازگشت می‌کند و از لوازم شخصیت به حساب می‌آید، به نظر برخی از نویسندگان حقوقی، وجود رگه‌هایی از خلاقیت‌های هنری ناشی از تراوش‌های ذهنی و تلاش‌های هنری اجراکننده در اجرائش است.

Mireille M. M. van Eechoud, Mireille Van Eechoud, *Harmonizing European copyright law: the challenges of better lawmaking*, Kluwer Law International, 2009, p.188.

۵. گفتنی است با عنایت به مبانی حقوق مالکیت فکری کشورهای نظیر انگلستان که صرف اعمال مهارت را کافی در حمایت به موجب کپی‌رایت می‌دانند بعید نیست این کشورها در صورت حمایت از اجراکنندگان، آنان را نه از باب وجود حقوق مرتبط بلکه به موجب کپی‌رایت مورد حمایت قرار دهند.

6. Roberta Rosenthal Kwall, *The soul of creativity: forging a moral rights law for the United States*, Stanford University Press, 2010, p. 38.

وجود دارد که کشورها با الحاق به معاهده فوق و شناسایی این حق در قوانین داخلی‌شان به وحدت رویه‌ای در این خصوص دست یابند.<sup>۱</sup>

### ۳.۳ استثنائات حق انتساب

حق انتساب اثر مانند حقوق مادی پدیدآورنده با استثنائات عدیده‌ای در حقوق کشورها مواجه است که از جمله موارد استثنای رعایت حق مزبور جایی است که به منظور بیان گزارش حوادث جاری روز از اثر فکری یاد می‌شود و یا در موردی است که اثر به طور اتفاقی و ضمنی ارائه عمومی می‌شود که این قبیل موارد به عنوان یکی از مصادیق «رفتار منصفانه» نقض حق پدیدآورنده به حساب نخواهد آمد.

### ۴. حق انتساب اثر در قوانین ایران

گرچه قانون فعلی حمایت از پدیدآورنده آثار ادبی و هنری- یعنی قانون حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸- به طور صریح و جداگانه به حق انتساب اثر پدیدآورنده اشاره نکرده است، اما در مواد مختلفی از این قانون به مصادیقی از حق مزبور، از جمله لزوم رعایت حق انتساب اثر توسط اشخاصی غیر از پدیدآورنده تصریح شده است. چنانکه گذشت این مصادیق دو جنبه اثباتی و سلبی حق انتساب اثر را دربردارند.

در ارتباط با جنبه اثباتی حق انتساب اثر می‌توان به ذیل ماده ۱۸ این قانون استناد کرد. در این ماده، این اجازه به ناشر و انتقال گیرنده و یا کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند، داده شده است که مطابق با نظر پدیدآورنده، به هر ترتیبی که او موافقت کند، نام پدید آورنده را بر روی اثر درج نمایند که این می‌تواند شامل درج نام واقعی، نام مستعار یا عدم درج نام او باشد. همچنین ماده ۷ این قانون به هنگام بیان موارد جواز نقل از آثار ادبی و هنری انتشار یافته دیگران، با تصریح به لزوم ذکر مأخذ (مگر در جزوات درسی معلمان)، جواز آن را مشروط به مأخذ کرده است.<sup>۲</sup> به علاوه ماده ۲۳ این قانون، تمامی

1. Thomas Dreier, loc. cit.

۲. «ماده ۷. نقل از اثرهایی که انتشار یافته است و استناد به آن‌ها به مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تفریط با ذکر مأخذ در حدود متعارف مجاز است. تبصره: ذکر مأخذ در مورد جزوه‌هایی که برای تدریس در مؤسسات آموزشی توسط معلمان آن‌ها تهیه و تکثیر می‌شود الزامی نیست مشروط بر اینکه جنبه انتفاعی نداشته باشد.»



اشخاص را مکلف کرده است تا برای انتساب دادن اثر به خود پدیدآورنده، از وی کسب اجازه نمایند. از این رو ماده مزبور ضمن ممنوع اعلام کردن نشر یا پخش و عرضه اثر به نام پدیدآورنده بدون اجازه او، ضمانت اجراهای کیفری نسبتاً مؤثری را برای ناقضین این حق در نظر گرفته است. همچنین قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای، مصوب ۱۳۷۹ (به اختصار قانون ۱۳۷۹)، در بند الف ماده ۶ جلوه‌ای از حق انتساب اثر به پدیدآورنده را یادآور شده است. در این ماده در مورد نرم افزارهای ناشی از استخدام و سفارش، این تکلیف مقرر شده است که نام پدیدآورنده توسط متقاضی ثبت، جهت صدور گواهی ثبت به نام پدیدآورنده اثر، باید به مرجع ثبت اعلام شود.<sup>۱</sup>

اما در ارتباط با جنبه سلبی حق انتساب، موارد نسبتاً فراوانی در قانون ۱۳۴۸ وجود دارد که هر کدام به ابعادی از این جنبه سلبی اشاره دارند. صدر ماده ۱۸ از این قانون، اشخاصی همچون انتقال گیرنده و ناشر را از انتشار اثر بدون رعایت حق انتساب (یعنی عدم ذکر نام پدیدآورنده بر روی اثر) بر حذر داشته است. مطابق این ماده، انتقال گیرنده و ناشر و به طور کلی، تمامی کسانی که مجاز به هرگونه استفاده از اثر هستند موظفند تا نام پدیدآورنده را بر روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیر شده، به روش معمول و متداول، اعلام و درج نمایند؛ مگر اینکه پدید آورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد.<sup>۲</sup> شاید بتوان این ماده را صریح‌ترین و جامع‌ترین ماده در این خصوص دانست. شایان گفتن است مطالبی مشابه همین ماده در ماده ۹ قانون ۱۳۷۹ آورده شده است.<sup>۳</sup> به علاوه همان طوری که در مباحث پیشین گذشت، یکی از جنبه‌های سلبی حق که در حقوق بسیاری از کشورها مطرح است «حق ممانعت دیگران از انتساب اثر پدیدآورنده به غیر خودش» است. ماده ۲۴ قانون ۱۳۴۸ که در خصوص چاپ و انتشار ترجمه دیگری به نام خود است، ضمن اشاره به این جنبه از حق انتساب، ضمانت اجراهای کیفری برای آن قائل شده

۱. ...الف- باید نام پدیدآورنده توسط متقاضی ثبت به مراجع یاد شده در این قانون به منظور صدور گواهی ثبت، اعلام شود .  
 ۲. « ماده ۱۸. انتقال گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را بمنظور انتفاع دارند باید نام پدید آورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر هم راه اثر با روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیر شده به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند مگر اینکه پدید آورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد.»  
 ۳. در ذیل این ماده آمده است: «اشخاصی که به ترتیب فوق اجازه نشر یا عرضه یا اجرای نرم افزاری را که دیگری پدیدآورده است به دست آورده اند مکلفند نام پدیدآورنده را نیز در نسخ عرضه شده ذکر نمایند مگر اینکه با پدیدآورنده به گونه‌ای دیگر توافق شده باشد.»

و در واقع، به دلیل ارتباط آن با نظم عمومی و حقوق عمومی آن را جرم تلقی نموده و برای آن مجازات حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال در نظر گرفته است. علاوه بر این، در ماده ۲۳ نیز قانونگذار در مقیاسی عامتر، نسبت به کلیه آثار مورد حمایت این قانون، این بعد سلبی از حق مزبور را به رسمیت شناخته و برای کسانی که تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است بدون اجازه پدیدآورنده به نام خود و یا به نام شخص ثالثی غیر از پدیدآورنده نشر یا پخش یا عرضه کنند به حبس تأدیبی از شش ماه تا ۳ سال محکوم کرده است. به دیگر سخن، قانونگذار با تعیین مجازات بر ناقض این گونه حق، در صدد نشان دادن اهمیت این حق از یک سو و ارتباط وثیق آن با نظم عمومی و مصالح جامعه بوده است. شایان ذکر است که نسبت به ناقضین جنبه نخستین یاد شده از بعد سلبی حق انتساب نیز قانونگذار ایران در ماده ۲۵، مجازات‌های جزایی را پیش‌بینی کرده است.<sup>۱</sup> علاوه بر قانون ۴۸، ماده ۱۵ قانون ۱۳۷۹ به گونه‌ای دیگر به حق مزبور اشاره کرده است.<sup>۲</sup> همانطور که ملاحظه می‌شود در این ماده، انتساب اثر نرم افزار تغییر یافته‌ای که از لحاظ عرفی نرم افزار جدیدی به حساب نمی‌آید به شخصی غیر از پدیدآورنده (یعنی تغییردهنده نرم افزار)، نقض حقوق او از جمله حقوق معنوی که در ماده یک این قانون به آن تصریح شده است، تلقی شده است.

اما در ارتباط با بعد دیگر سلبی حق انتساب اثر، یعنی «حق عدم ادعای پدیدآورندگی»، شاید بتوان ماده ۲۳ را مصداق و نمونه‌ای از این حق به حساب آورد. در این ماده، با بیان این امر که دیگران نمی‌توانند بدون اجازه از پدیدآورنده نام او را بر روی اثر قرار داده و آن را پخش عمومی نمایند، حق نشر یا حق عدم ادعای پدیدآورندگی را برای پدیدآورنده به رسمیت شناخته است.

۱. «ماده ۲۳. هر کس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدید آورنده بدون اجازه او و یا عالماً عامداً و به نام شخص دیگری غیر از پدید آورنده نشر یا پخش یا عرضه کند به حبس تأدیبی از شش ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴. هر کس بدون اجازه ترجمه دیگری را به نام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵. متخلفین از مواد ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ این قانون به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد. ماده ۲۶. نسبت به متخلفان از مواد ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ این قانون در مواردی که به سبب سپری شدن مدت حق پدید آورنده استفاده از اثر با رعایت مقررات این قانون برای همگان آزاد است وزارت فرهنگ و هنر عنوان شاکی خصوصی را خواهد داشت.

۲. در ماده ۱۵ این قانون می‌خوانیم: «اشخاصی که نرم افزاری را با تغییراتی که عرفاً نتوان آن را یک نرم افزار جدید به حساب آورد، به نام خود ثبت، تکثیر، منتشر، عرضه و یا بهره‌برداری نمایند، حقوق پدیدآورنده نرم‌افزار یادشده را نقض کرده‌اند.»

علاوه بر قانون ۱۳۴۸، در ذیل ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲، قانونگذار ذکر نام مترجم را در تمامی موارد استفاده الزامی دانسته است. مفهوم این ماده این است که در مورد آثار برگرفته از دیگر آثار (آثار اشتقاقی)، نیز رعایت جنبه اثبات حق انتساب اثر به پدیدآورنده اثر اشتقاقی توسط دیگران لازم و ضروری است. نظر به اهمیت این امر، قانونگذار در ماده ۷ (بند الف) ضمانت اجرای مدنی و کیفری برای ناقضین این حق پیش‌بینی کرده است. این ماده اشخاصی را که عالماً عامداً حق مزبور را نقض نموده‌اند، علاوه بر تأدیه خسارات شاکی خصوصی، به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم کرده است. گفتنی است ضمانت اجرای کیفری پیشگفته، چه در قانون ۱۳۴۸ و چه در قانون ۱۳۵۲ و چه در قانون ۱۳۷۹، منوط به شکایت شاکی خصوصی است، از این رو با گذشت یا عدم پیگیری او، تعقیب یا اجرای حکم متوقف می‌شود.<sup>۱</sup>

علیرغم وجود مواد مختلفی در حمایت از حق انتساب پدیدآورنده اثر ادبی و هنری در قانون ۱۳۴۸، هیچ مقرره‌ای در حمایت از حقوق اجراکنندگان آثار ادبی و هنری، به ویژه حق انتساب آن‌ها در قوانین فعلی کشور دیده نمی‌شود. البته با توجه به اینکه حمایت از حقوق اخلاقی این دسته از اشخاص اخیراً بعد از معاهده حقوق مرتبط و ایپو (w.p.p.t) مصوب ۱۹۹۶ در سطح بین‌المللی مطرح شده است، از این رو عدم حمایت از این دسته از اشخاص در قوانین قدیمی کشور امری طبیعی به نظر می‌رسد.

گفتنی است در چند سال گذشته<sup>۲</sup> با توجه به لزوم بازنگری و انجام اصلاحات در قوانین حقوق مالکیت ادبی و هنری کشور متناسب با تحولات ۴۰ سال گذشته، لایحه‌ای جامع تنظیم گردیده است و در این قانون، حمایت نسبتاً جامعی از حق انتساب - هم برای پدیدآورندگان آثار ادبی و

۱. قانون ۱۳۴۸: ماده ۳۱. تعقیب بزه‌های مذکور در این قانون با شکایت شاکی خصوصی شروع و با گذشت او موقوف می‌شود.

قانون ۱۳۵۳: ماده ۱۲ - تعقیب بزه‌های مذکور در این قانون منوط به شکایت شاکی خصوصی است و با گذشت او تعقیب یا اجرای حکم موقوف می‌شود.

قانون ۱۳۷۹: ماده ۱۵ - رسیدگی جرم مذکور در ماده (۱۳) با شکایت شاکی خصوصی آغاز و با گذشت او موقوف می‌شود. ۱۳۹۳.۲

هنری و هم برای اجراکنندگان پیش‌بینی شده است.<sup>۱</sup> لایحه مزبور، به صراحت از حق حرمت نام یاد کرده است و قلمرو آن را به گونه‌ای گسترش داده که علاوه بر پدیدآورنده، آن را شامل اجراکننده اثر نیز کرده است.<sup>۲</sup> همان‌طوری که ملاحظه می‌شود این ماده جنبه اثباتی حق را به صراحت بیان نموده است. البته به نظر می‌رسد این نقطه ضعف در لایحه مزبور دیده می‌شود که به جنبه‌های سلبی حق آن گونه که در مواد ۱۸ و ۲۳ و ۲۴ قانون ۴۸ مورد تأکید واقع شده، تصریح نشده است. امید است قبل از تصویب نهایی این قانون در مجلس شورای اسلامی، قانونگذار با بازنگری در این بخش از پیش‌نویس و تکمیل آن غنای بیشتری به لایحه ببخشد.

۱. «پدیدآورنده علاوه بر حقوق مادی خود، و حتی در مواردی که وی دیگر مالک حقوق یاد شده نیست، دارای حقوق انحصاری زیر است: (الف) حق حرمت نام پدیدآورنده: بر این اساس تنها پدیدآورنده، حق دارد به هنگام چاپ یا هرگونه استفاده دیگر از اثر، نام واقعی یا مستعار خود را بر روی اصل یا نسخه آن به صورت آشکار و به هر روش ممکن درج یا از درج آن خودداری نماید.

اجراکننده علاوه بر حقوق مادی خود، و حتی در مواردی که دیگر مالک حقوق یاد شده نیست، دارای حقوق انحصاری زیر است: (الف) حق حرمت نام: بر این اساس وی حق دارد در خصوص اجرای زنده و یا تثبیت شده خود، نامش به عنوان اجراکننده ذکر شود به استثنای مواردی که حذف نام او به اقتضای روش استفاده از اجرا لازم باشد.»

۲. ماده ۱- اجراکننده علاوه بر حقوق مادی خود، و حتی در مواردی که دیگر مالک حقوق یاد شده نیست، دارای حقوق انحصاری زیر است.

(الف) حق حرمت نام: بر این اساس وی حق دارد در خصوص اجرای زنده و یا تثبیت شده خود، نامش به عنوان اجراکننده ذکر شود به استثنای مواردی که حذف نام او به اقتضای روش استفاده از اجرا لازم باشد.

## ۵. نتیجه‌گیری

حق انتساب اثر<sup>۱</sup> که در حال حاضر قانون‌گذاران اغلب کشورها، به تبعیت از کنوانسیون برن، آن را مورد حمایت قرار داده‌اند، در حقوق کشورهای غربی از سابقه دیرینه‌ای برخوردار است. با وجود این، حق یادشده به مفهوم نوین آن، بعد از انقلاب کبیر فرانسه در اوایل قرن ۱۹، به حقوق کشورهای غربی راه یافت و کنوانسیون برن در اصلاحیه ۱۹۲۸ خود، این حق را برای نخستین بار در ابعاد بین‌المللی مورد شناسایی قرار داد. البته کشورهای دارای نظام کپی رایت همچون انگلستان و امریکا، در طول دو قرن گذشته، نسبت به رسمیت شناختن این حق در حقوق کشورشان مقاومت زیادی از خود نشان داده‌اند و حتی ایالات متحده امریکا با این استدلال که از راه‌هایی دیگری همچون منع افترا، نقض محرمانگی و یا حقوق علائم تجاری نیز می‌توان از حق انتساب پدیدآورنده اثر حمایت کرد، از حمایت گسترده آن، به موجب نظام مالکیت فکری، به جز بصورت محدود در حوزه آثار بصری، خودداری ورزیده است.

از چشم انداز تحلیل مفهومی جنبه‌های مختلف حق انتساب اثر، می‌توان آن را به دو جنبه اثباتی و سلبی تقسیم کرد. در خصوص جنبه اثباتی حق، ابهام‌هایی به چشم می‌خورد که تلاش این نوشتار بر آن بود که ابهامات مزبور مرتفع گردند: نخست درباره موضوع آن که آیا تنها شامل اثر اصلی می‌شود یا نسخه‌های (کپی) آن را نیز در برمی‌گیرد که در پاسخ به این سؤال گفته شد که قوانین کشورها در این خصوص متفاوت عمل نموده‌اند. سؤال دوم این که قید «بر روی اثر» چگونه نسبت به مواردی از اعمال حق، همچون اجرای عمومی اثر که فاقد جسم مادی است، قابل انطباق است که در پاسخ به این پرسش، گرچه برخی از قوانین از همان عبارت مبهم و کلی مذکور در کنوانسیون برن ("ادعای پدیدآورندگی اثر") استفاده کرده‌اند، اما برخی دیگر آن را مقید به هنگام عرضه و استفاده عمومی اثر کرده‌اند. پرسش سوم این بود که آیا این حق مطلق است و حتی شامل فرض استفاده غیر عمومی اثر هم می‌شود یا تنها موارد استفاده یا انتشار عمومی اثر را در بر می‌گیرد؟ در پاسخ به این سؤال، باز هم کشورها رویه‌های متفاوتی دارند؛ برخی از آن‌ها هنگام استفاده عمومی اثر را قید نکرده‌اند، در مقابل، پاره‌ای دیگر حق انتساب اثر را تنها محدود به هنگام استفاده یا انتشار عمومی اثر نکرده‌اند. سؤال چهارم این که آیا نحوه قرار گرفتن نام بر

1. paternity right یا right of attribution.

روی اثر لازم است به شکل خاصی باشد یا این که لازم نیست کیفیت ویژه‌ای رعایت شود؟ که درباره این پرسش نیز، گرچه دسته‌ای از قوانین در این باره سکوت کرده‌اند، اما دسته‌ای دیگر قیوداتی برای آن در نظر گرفته‌اند. سؤال پنجم این بود که آیا قلمرو آن شامل اثر اصلی است یا اینکه اثر اقتباسی را هم در بر می‌گیرد؟ در پاسخ به آن، بسیاری از قوانین دامنه آن را وسیع در نظر گرفته و حق انتساب را به اثر اشتقاقی نیز توسعه داده‌اند. در خصوص این پرسش که آیا حق انتساب اثر باید تحت هر شرایطی رعایت و اجرا شود یا مشروط به این است که انتساب اثر به پدیدآورنده امکان‌پذیر باشد؟ پاره‌ای از کشورها نظیر کانادا و غنا شرط امکان‌پذیر بودن آن را قید نموده‌اند. در پاسخ به این سؤال که آیا علاوه بر نام، دیگر عناوین ممیزه پدیدآورنده هم از حرمت برخوردار است، پاره‌ای از قوانین صراحت دارند. به موجب قانون فرانسه، سنگال، الجزایر و گینه عناوین، درجات و سایر ممیزات پدیدآورنده به مانند نام او دارای حرمت و احترام هستند و باید از سوی دیگران رعایت شوند. اما در پاسخ به لزوم رعایت شرایط شکلی، پاره‌ای از قوانین وجود برخی تشریفات شکلی را لازم دانسته‌اند. البته به نظر می‌رسد وجود این شرط شکلی با ماده ۶ کنوانسیون برن که هیچ شرط شکلی را برای حقوق اخلاقی قائل نشده است، در تعارض باشد.

از لحاظ قلمرو این نظریه، این حق فقط محدود به انتساب بیان است و طرفداران این نظریه انتساب ایده را در قلمرو نظریه خود نیاورده‌اند. به‌علاوه، برای نخستین بار در سال ۱۹۹۶، در معاهده بین‌المللی سازمان جهانی مالکیت فکری، در موضوع حمایت از حقوق مرتبط موسوم به «w.p.p.t» قلمرو این حق از جهتی دیگر فراتر رفت و حق انتساب اثر از پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری به اجراکنندگان این قبیل آثار نیز گسترش یافت.<sup>۱</sup> حق انتساب اثر نیز به مانند حقوق مادی پدیدآورنده با استثنائات عدیده‌ای در حقوق کشورها مواجه است که از جمله موارد استثنای رعایت حق مزبور در جایی است که به منظور بیان گزارش حوادث جاری روز از اثر فکری یاد می‌شود و یا در موردی است که اثر به طور اتفاقی و ضمنی ارائه عمومی می‌شود که این قبیل موارد به عنوان یکی از مصادیق «رفتار منصفانه»، نقض حق پدیدآورنده به حساب نخواهد آمد.

۱. از زاویه‌ای دیگر، گرچه حقوق اخلاقی در حقوق مالکیت ادبی و هنری بسیار پررنگ است، اما حقوق مالکیت صنعتی نیز به نوبه خود از این نوع حقوق بی‌بهره نمانده است و حق انتساب اثر به عنوان یکی از جلوه‌های حقوق اخلاقی در بسیاری از زیر شاخه‌های حقوق مالکیت صنعتی مطرح است. به عنوان نمونه در حق اختراع، حق شناخته شدن مخترع به عنوان پدیدآورنده اثر فکری، در حقوق داخلی بسیاری از کشورها (همچون ماده ۱۱۱ قانون اختراع ایالات متحده امریکا) و نیز مقررات بین‌المللی امر شناخته شده‌ای است.

در مطالعه تطبیقی این حق با نظام حقوقی ایران، باید گفت قانون حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸، گرچه به طور صریح و جداگانه به حق انتساب اثر پدیدآورنده اشاره نکرده است، اما در مواد مختلفی از این قانون به لزوم رعایت حق انتساب اثر توسط اشخاصی غیر از پدیدآورنده تصریح نموده است. از جمله ماده ۷ این قانون که به هنگام بیان موارد جواز نقل از آثار ادبی و هنری انتشار یافته دیگران، با تصریح به لزوم ذکر مأخذ (مگر در جزوات درسی معلمان)، جواز آن را مشروط به انتساب آن به پدیدآورنده و ذکر منبع اصلی آن نموده است. همچنین در ماده ۱۸ این قانون، انتقال گیرنده و ناشر و به طور کلی، تمامی کسانی که مجاز به هرگونه استفاده از اثر هستند موظف شده‌اند تا نام پدیدآورنده را بر روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیر شده به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند؛ مگر اینکه پدید آورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد. ماده ۲۳ تا ۲۶ این قانون در فصل تخلفات و مجازات‌ها، ضمانت‌اجراهای نسبتاً مؤثری برای تضمین اجرای این حق پیش‌بینی کرده است و ناقضین این حق را به خاطر انتساب اثر به غیر از پدیدآورنده - خواه به نام خودشان یا دیگری- مجرم شناخته و مجازات حبس تأدیبی از ۳ ماه تا ۳ سال را برای آنان تعیین نموده است. علیرغم وجود مواد مختلف در حمایت از حق انتساب پدیدآورنده اثر ادبی و هنری در قانون ۱۳۴۸، هیچ مقرره‌ای در حمایت از حقوق اجراکنندگان آثار ادبی و هنری، به ویژه حق انتساب آن‌ها، در قوانین فعلی کشور دیده نمی‌شود. البته با توجه به اینکه حمایت از حقوق اخلاقی این دسته از اشخاص اخیراً بعد از معاهده حقوق مرتبط واپسو در سطح بین‌المللی مطرح شده است، از این رو عدم حمایت از این دسته از اشخاص در قوانین قدیمی کشور امری طبیعی به نظر می‌رسد. گفتنی است در پیش‌نویس لایحه جدید «قانون جامع حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط ۱۳۸۹» و نیز لایحه مربوط ۱۳۹۳، حمایت جامعی از حق انتساب- هم برای پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و هم برای اجراکنندگان- پیش‌بینی شده است.

## فهرست منابع

## الف) فارسی

۱. شبیری، سید حسن و همکاران، کتاب **پیش نویس لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط**، ناشر دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی، ۱۳۸۹.
۲. علیرضا، نوروزی، **حقوق مالکیت فکری**، نشر چاپار، ۱۳۸۵.
۳. کلود کلمبه، **اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان**، ترجمه علی رضا محمدزاده وادقانی، نشر میزان، ۱۳۸۵.

## ب) انگلیسی

4. **Australia Copyright Act 1968** (consolidated as of June 27, 2015).
5. **Brasil Law on Copyright and Neighboring Rights** No. 9,610 of 1998.
6. Carlos Ferná ndez-Molina and Eduardo Peis, **The Moral Rights of Authors in the Age of Digital Information** , Departamento de Biblioteconomia y Documentacion, Universidad de Granada, Colegio Má ximo de Cartuja, 2001.
7. Carroll, Michael, **Whose Ownership Is It Anyway? How We Came to View Musical Expression as a Form of Property**, 72 U. CIN. L. REV. 2004.
8. Chambers, J.A. , **Relating Personality and Biographical Factors to Scientific Creativity**, 78 PSYCHOL. MONOGRAPHS: GEN. & APP. 1, 6,1964.
9. Constantinou, Jennifer , **A Brief Overview of The Visual Artists Rights Act of 1990 (VARA)**, Seton Hall School of Law, 2007.
10. **Copyright Law of the People's Republic of China** ( September 7, 1990 as amended in February 26, 2010).
11. Cotter, Thomas, **Pragmatism, Economics, and the Droit Moral**, North Carolina Law Review, 1997.
12. Dreier, Thomas, **Concise European copyright law**, Kluwer Law International, 2006.
13. **Egypt Law on the Protection of Intellectual Property Rights** 82 of 2002.
14. **Ellis v. Hurst**, 128 N.Y.S. 144 (Sup. Ct. 1910).
15. **France Intellectual Property Code** (consolidated version of October 9, 2016).
16. **Germany Act on Copyright and Related Rights** (as amended up to Act of April 4, 2016).



17. Ginsburg, Jane C. , **The Author's Name as a Trademark: A Perverse Perspective on the Moral Right of 'Paternity'?**, Columbia Law School, 2005.
18. Ginsburg, Jane, **The Right to Claim Authorship in U.S. Copyright and Trademarks Law**, 41 HOUS. L. REV. 263, 264 , 2004.
19. Goldstein, Paul **International Copyright: Principles, Law, and Practice**, Oxford University Press, 2005.
20. **Greece Law on Copyright, Related Rights and Cultural Matters**(2121/1993).
21. **Guinea Act on Copyright and Neighboring Rights** (No. 043/APN/CP of August 9, 1980)
- Hohfeld, Wesley Newcomb, **Fundamental Legal Conceptions as Applied in Judicial Reasoning**, Yale University Press 1923.
22. **Hungary Act No. LXXVI** of 1999 on Copyright.
23. **Iceland Copyright Act 1972**( No. 73 of May 29, 1972, as last amended by Act No. 97 of 30 June 2006).
24. **Italian copyright law 1941**( "Protezione del diritto d'autore e di altri diritti connessi al suo esercizio" Law no 633 of 22 April 1941).
25. **Japan Copyright Act** (Act No. 48 of May 6, 1970, as amended up to Act No. 35 of May 14, 2014).
26. Kamina, Pascal, **Film Copyright in the European Union**, Cambridge University Press, 2002.
27. Kowalski, W. W., **International Legal Dimensions of Art and Cultural Property: A Comparative Law Analysis of the Retained Rights of Artists**, 38 VAND. J. TRANSNAT'L L. 1141, 1148 , 2005.
28. Kwall, Roberta Rosenthal, **The Attribution Right in the United States: Caught in the Crossfire Between Copyright and Section 43(A)**, Washington Law Review, October, 2002.
29. Kwall, Roberta Rosenthal, **The soul of creativity: forging a moral rights law for the United States**, Stanford University Press, 2010.
30. Lastowka, Greg, **Digital Attribution: Copyright and the Right to Credit**, 87 B.U. L. REV. 41, 70 2007.
31. Liemer, Susan, **How We Lost Our Moral Rights and the Door Closed on Non-Economic Values in Copyright**, Southern Illinois University Carbondale, 2005.
32. **Millar v. Taylor** (1769) 98 Eng. Rep. 201, 252 (K.B.).
33. Mireille M. M. van Eechoud, Mireille Van Eechoud, **Harmonizing European copyright law: the challenges of better lawmaking**, Kluwer Law International, 2009.
34. **Morita v. Omni Publ'ns. Int'l Ltd.**, 741 F. Supp. 1107, 1114 (S.D.N.Y. 1990).

35. **Nimmer, Melville & Nimmer, David, Nimmer on Copyright § 8D.01[A] 2007.**
36. Nuno Pires de Carvalho, **The TRIPS regime of patent rights**, Kluwer Law International, 2010.
37. Patterson, Lyman Ray, **Copyright in Historical Perspective**, Vanderbilt University Press, 1968.
38. Pierce, Jon L., **The State of Psychological Ownership**, 7 REV. GEN. PSYCHOL. 84, 85-86, 2003.
39. **Papua New Guinea Copyright and Neighbouring Rights Act 2000.**
40. **Poland Act on Copyright and Neighboring Rights** (No. 83 of February 4, 1994 as amended up to October 21, 2010)
41. Rigamonti, Cyril, **Deconstructing Moral Rights**, 47 Harv. Int'l L. J. 353, 2006.
42. **Republic of Korea Copyright Act of 1957** (Act No. 432 of January 28, 1957, as amended up to Act No. 5015 of December 6, 1995)
43. Roberta Rosenthal Kwall, **The Attribution Right in the United States: Caught in the Crossfire Between Copyright and Section 43(A)**, Washington Law Review, October, 2002
44. Rossman, Joseph, **Industrial creativity; the psychology of the inventor**, University Books, 1964.
45. **Russian Federation Copyright 2006**( as codified in part IV of the Civil Code of the Russian Federation and entered in force on January 1, 2008).
46. Self III Henry,, **Moral Rights and Musicians in the United States," 2003-2004 Entertainment, Publishing and the Arts Handbook 165, 2003.**
47. **Samoa Copyright Act 1998** (as consolidated in 2011)
48. **Spain Law on Intellectual Property** ( No 1/1996 of April 12, 1996)
49. Shaw, Ralph, **Copyright and the Right to Credit**, 113 SCIENCE 571, 752 , 1951.
50. Shaw, Steven A. **Not That There's Anything Wrong With That: Jessica Seinfeld's Cookbook Is Unoriginal, But**
51. **Slovakia Copyright and Related Rights Act No. 185/2015**
52. Suhl, Natalie, **Moral Rights Protection in the United States Under the Berne Convention: A Fictional Work?**, 12 ORDHAM INTELL. PROP. MEDIA & ENT. L.J. 1203, 1206, 2002.
53. Swack, Cheryl, **Safeguarding Artistic Creation and the Cultural Heritage: A Comparison of Droit Moral Between France and the United States**, 22 COLUM.-VLA J.L. & ARTS, 1998.
54. **Tunisia Law on Literary and Artistic Property**(Law No. 94-36 of February 24, 1994).
55. Tushnet, Rebecca, **Naming Rights: Attribution and Law**, Georgetown University Law Center, November 2007
56. **UK Copyright, Designs and Patents Act 1988**
57. **USA Copyright Act of 1976.**

58. Widow Vergne v. Creditors of Mr. Vergne, Cour d'appel [CA] [regional court of appeal] Paris, le ch., Jan. 11, 1828, S. Jur. II 1828, 5.
59. **WIPO Performances and Phonograms Treaty 1996.**
60. Zabatta, Patrick, **Moral Rights And Musical Works: Are Composers Getting Berned?**, 43 SYRACUSE L. REV. 1095 , 1992.
61. Zhonglin, He, **Author's Moral Rights in UK and China**, Law Department, School of African and Oriental Studies, University of London, 2002.